

به بهانه بحران اقتصادی
تعرض به
حقوق کارگران
تشدید شده است

برای کاهش فشار اقتصادی، حکومت جمهوری اسلامی، به روش معمول خویش، پیش از هر اقدام دیگری به سراغ کارگران و زحمتکشان رفته و می‌خواهد بار بحران را بیش از پیش بر دوش آنان بیاندازد. دستگاه‌های حکومتی، «بازنگری در قانون کار» را مورد بررسی دوباره قرار داده‌اند. این بازنگری ظاهراً قرار است به دلیل «عدم انطباق قانون کار با واقعیات و نیازهای اقتصادی کشور» صورت گیرد و یکی از اهداف آن، محدود ساختن دامنه شمول آن است. محافل وابسته به سرمایه داران و تجار قصد دارند کارگاه‌هایی را که زیر ۱۰ نفر کارگر دارند، از شمول این قانون خارج سازند. کارفرمایان بهانه می‌آورند که «به دلیل مشکلات استخدام کارگر جدید» آنان مجبورند از استخدام کارگر خودداری کنند، زیرا به گفته آنان قانون کار حقوق زیادی به کارگران داده است و آن‌ها چند ادا می‌دهند در صفحه ۵

علیرغم مخالفت سخنگوی دولت، در اجتماع دانشگاه تهران:
دانشجویان خواهان «انحلال مجلس ضد ملت» شدند

● دانشجویان شعار می‌دادند: «مجلس ضد ملت، انحلال، انحلال!»
● «مجلس زوری نمی‌خواهیم، ناطق نوری نمی‌خواهیم!» و «آزادی اندیشه، همیشه، همیشه»
● خاتمی، شعارهای دانشجویان را «نادرست و بسیار خطرناک» خواند
● ناطق نوری رئیس مجلس: انتظار داشتم وقتی این شعارها داده می‌شد، آقایان مسئولین آن جلسه را ترک می‌کردند

ارشاد و سخنگوی دولت، چندین بار از دانشجویان و مردم گرد آمده در محل خواست که «اخلاق اسلامی» را رعایت کنند و «شعارهای تند» ندهند، اما شور و هیجان جمعیت و اراده آنان برای نشان دادن اعتراض خود علیه مجلس و استبداد فقاهتی، چنان اوج گرفته بود که سخنان مهاجرانسی در میان طنین شعارهای دانشجویان و جوانان پژواکی نیافت، اما هر کجا که سخنرانان از آزادی و ایستادگی سخن گفتند، جمعیت با شوق و هیجان به تائید سخنان آنان برخاست.

بر در و دیوار محل تظاهرات در دانشگاه تهران، پارچه نوشته‌ها و شعارهایی نصب شده بود که بر روی آنان نوشته بودند: «استیضاح اراده ملت، نتیجه مستقیم نظارت استصوابی!»، «مجلس ضد ملت، انحلال، انحلال!» و «استیضاح، استیضاح، تقب، تقب!» در این گردهمایی که به دعوت ادامه در صفحه ۴

وقتی عطاءالله مهاجرانی، وزیر ارشاد وارد سالن گردهمایی شد، دانشجویان از جای برخاستند و در حالی که نسخه‌های روزنامه جامعه را بر سر دستان خویش گرفته بودند، شعار دادند: «جامعه، جامعه، نیروی انتظامی اصلاح باید گردد!»، «وزیر کشور ما آقا باید گردد!»، «یک مصلحت، یک دولت، آن هم به رای ملت!»، «توسعه سیاسی، تحقق، تحقق!»

انحلال!»، پاره‌ای از شعارهای دانشجویان در این مراسم به قرار زیر بود: «دانشجو بیدار است»، «ناطق، انحصار بیزار است!»، «سیمای ناطق، شرمت باد!»، «مجلس شورای اسلامی تبدیل شد. انبوه دانشجویان، کارمندان، مدیران و جوانانی که روز یکشنبه از گوشه و کنار تهران در دانشکده فنی تهران گرد آمده بودند، یک صدا فریاد می‌زدند: «مجلس ضد ملت، انحلال،

مراسمی که قرار بود روز یکشنبه هفته گذشته برای تجلیل از خدمات عبدالله نوری وزیر سابق کشور، برگزار شود، به صحنه تظاهرات دانشجویان دانشگاه‌های تهران برای انحلال مجلس شورای اسلامی تبدیل شد. انبوه دانشجویان، کارمندان، مدیران و جوانانی که روز یکشنبه از گوشه و کنار تهران در دانشکده فنی تهران گرد آمده بودند، یک صدا فریاد می‌زدند: «مجلس ضد ملت، انحلال،

کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید:

سه زندانی سیاسی
به اعدام محکوم شده‌اند

● حکم اعدام علیرضا کرمانی، نادر جعفری و عزیزالله خیری در تاریخ ۲۵ فرودین امسال به تصویب شورای عالی قضایی رسیده است

با اعلام یک دقیقه سکوت در روز ۱۷ خرداد، یاد این اعتصاب و قربانیان آن را گرامی داشتند. زندانیان پس از اطلاع از این اقدام زندانیان، وارد بندها شده و به ضرب و شتم جمعی زندانیان پرداختند. در زندان عادل‌آباد ملاقات‌ها را قطع کرده و گروه زیادی از زندانیان را به بندهای انفرادی منتقل کردند. بنا به این گزارش، زندانیان سیاسی زندان ملائانی اهواز در اعتراض به این وحشی‌گری، به مدت دو شب از خوردن غذا خودداری کردند. بنا بر همین گزارش، رژیم کلیه ملاقات‌ها را در زندان اوین قطع کرده است و تسلیزبون‌ها و روزنامه‌ها را از بندها جمع کرده در خرداد ماه گذشته، گروهی ادامه در صفحه ۲

کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید خبر داده است که جمهوری اسلامی ۳ نفر دیگر از زندانیان سیاسی ایران را به اعدام محکوم کرده است. نام این زندانیان سیاسی، علیرضا کرمانی، نادر جعفری و عزیزالله خیری اعلام شده است. به گزارش این کانون، احکام اعدام این سه زندانی سیاسی از سوی شعبه ویژه دادستانی انقلاب در اوین صادر شده و در تاریخ ۲۵ فرودین ماه امسال به تصویب شورای عالی قضایی رسیده است. به گزارش این کانون، در سالگرد اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در خرداد ماه گذشته، زندانیان سیاسی زندان‌های عادل‌آباد شیراز، دستگرد اصفهان، ملائانی و کارون اهواز

بیانیه مشترک سازمان فداییان خلق
ایران (اکثریت)؛ سازمان جمهوری خواهان
ملی ایران و حزب دموکراتیک مردم
ایران در باره روی دادهای اخیر در کشور
در صفحه ۲

ابزارهای کینه در شرایط تازه

در صفحه ۳

مصاحبه «کار» با بصیر نصیبی
دریچه سینمای ایران
هم‌چنان بسته مانده است
در صفحه ۷

روزنامه‌نگاران کشور از خاتمی خواستند
مانع تعطیل روزنامه جامعه شود

نیست، بلکه عده بسیار زیادی از افرادی را که در چارچوب آن شخصیت حقوقی فعالیت دارند، در بر می‌گیرد.

آقای رئیس‌جمهور! چنین پدیده‌ای، معضلی به نام فقدان امنیت شغلی برای دست‌اندرکاران مطبوعات فراهم آورده است، زیرا حضرت‌عالی به این عنوان شخصیتی فرهنگی به این نکته آگاهید که برای پیشرفت در هر کاری، علاقه و دلگرمی شرط ضروری است و دلگرمی و علاقه نیز نیازمند امنیت شغلی است. حال چگونه از خبرنگار، گزارشگر، نویسنده و به‌طور کلی تمامی کسانی که در عرصه مطبوعات اشغال دارند، می‌توان انتظار داشت که با دلگرمی و ادامه در صفحه ۴

● مهاجرانی وزیر ارشاد و سخنگوی دولت: ما طرفدار قانون و حکم دادگاه هستیم

یکی از واقعیت‌های تلخ و اندوهبار تاریخ مطبوعات و به ویژه روزنامه‌های کشور ما، عدم تداوم حیات آنهاست که این نیز خود ناشی از عدم تفکیک شخصیت حقوقی نشریات و شخصیت حقیقی مدیران آنهاست. در حالی که در اکثر کشورهای جهان مجازات هرگونه جرم مطبوعاتی متوجه شخصیت‌های حقیقی است، متأسفانه در کشور ما این مجازات متوجه شخصیت حقوقی مطبوعات می‌شود و عوارض ناشی از این عمل، دیگر متوجه شخص حقیقی مدیرمسئول

در حالی که روزنامه جامعه در انتظار دادگاه تجدیدنظر خود به سر می‌برد، ۲۲۲ نفر از روزنامه‌نگاران ایرانی در یک نامه سرگشاده از محمد خاتمی خواستند که مانع از توقیف و تعطیل این روزنامه شود. پس از انتشار این نامه، عطاءالله مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید کرد که تعیین نحوه مجازات نشریات متخلف بر عهده قوه قضاییه است و باید به حکم دادگاه احترام گذاشت. در نامه‌ای که به امضای روزنامه‌نگاران کشور رسیده، از جمله چنین آمده است:

سرمقاله

آقای خاتمی
جنبش مردم را
تابع مصالح دولت خود نسازید!

عبدالله نوری وزیر کشور سابق دولت خاتمی که توسط اکثریت دست‌راستی مجلس معزول شد و اکنون معاون رئیس‌جمهوری است، طی سخنانی در مراسم قدردانی دفتر تحکیم وحدت انجمن‌های اسلامی دانشجویان در دانشکده فنی دانشگاه تهران گفته است که «ملت از دولت مظلوم خاتمی در حد توان آن توقع داشته باشد». نوری افزوده است خاتمی مستناسب با مسئولیت‌هایش اختیاراتی ندارد. وزیر کشور سابق خاتمی در عین حال گفته است برکناری او توسط مجلس، «هشدار» هم برای مردم بود تا تصور نکنند به صرف حضور در دوم خرداد، همه چیز بر اساس خواست آنها تحقق می‌یابد.

اطرافیان خاتمی که نوری به عنوان پیگیرترین آنها در اجرای وعده‌های اصلاحات شناخته شده، از یک سو مردم را به کاهش سطح توقعاتشان دعوت می‌کنند و از سوی دیگر به مردم هشدار می‌دهند که تنها رأی دادن خاتمی کافی نیست. معلوم نیست توقع آنان از مردم چیست. اگر توقع، این است که مردم از خاتمی در برابر هجوم جناح راست دفاع کنند که به راستی کسی نمی‌تواند منکر تلاش گسترده و حضور وسیع مردم در صحنه مبارزه با جناح مسلط حکومت گردد. مگر مردم (و در آن مورد مشخص دانشجویان) نبودند که می‌خواستند با تظاهرات، خواهان آزادی کرباسچی از زندان شوند، و مگر دولت خاتمی نبود که از مردم خواست در خانه‌های خود بمانند. مگر مردم نبودند که در تظاهرات هفته گذشته دانشگاه در حمایت از نوری شعار دادند «مجلس فرمایشی، انحلال، انحلال» و مگر مهاجرانی وزیر ارشاد و سخنگوی دولت خاتمی نبود که در همین مراسم دانشجویان و مردم را از دادن این شعار منع کرد و آنها را متهم به «دوستی افراطی» با دولت خاتمی نمود؟ مگر همین آقای مهاجرانی نبود که نخست با دیدار از دفتر روزنامه جامعه، ژست پشتیبانی از مطبوعات مستقل را گرفت، اما وقتی که معلوم شد جناح مسلط، کمر به تعطیل جامعه بسته، زیر پای این روزنامه را خالی کرد و به بهانه‌ای واهی، آن را مورد حمله قرار داد؟

آقای نوری باید از سرنوشت خود به عنوان وزیر کشور نیز عبرت بگیرد. چرا آقای خاتمی در روز استیضاح به مجلس نیامد و در برابر تهاجمات گروه ناطق نوری به دفاع از او برخاست؟ کسی که طعم عواقب کوتاه آمدن در برابر دشمنان آزادی را چشیده است، محق نیست که از مردم کاستن از توقعاتشان را بخواهد. توقعات مردم، ادامه در صفحه ۵

مردم با حلقه‌های گل به استقبال تیم ملی فوتبال ایران شتافتند

چارچوب رقابت‌های جام جهانی به ایران بازگشتند. بازی‌کنان موفق‌ترین تیم آسیا در جام جهانی فرانسه ساعت چهار و پنجاه دقیقه صبح روز یکشنبه هفته گذشته وارد فرودگاه مهرآباد شدند و با استقبال چند هزارتن از شهروندان تهران مواجه شدند. جمعیت حاضر در فرودگاه، به هنگام ورود اعضای تیم ملی فوتبال ایران به محوطه ترمینال فرودگاه مهرآباد با فریاد ایران، ایران از تلاش فوتبالیست‌های ایرانی قدردانی کردند و حلقه‌های گل به گردن بازی‌کنان و مربیان تیم ملی فوتبال کشورمان اویختند. تیم ملی فوتبال ایران در ادامه در صفحه ۴

تیم ملی فوتبال ایران در ادامه در صفحه ۴



یادداشت

برای عزت و ارزش انسان

روز ۲۶ ژوئن (۵ تیر)، از سوی سازمان ملل متحد به عنوان روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه اعلام شده است. هر چند ۵۲ سال از امضای منشور جهانی حقوق بشر می‌گذرد و بیش از ۱۰۰ کشور، معاهده علیه شکنجه را امضا کرده‌اند، اما همچنان بخش بزرگی از انسان‌ها در سراسر جهان شکنجه می‌شوند و یا در خطر شکنجه شدن قرار دارند. در منشور جهانی حقوق بشر تأکید شده است: «هیچ کس نباید در معرض شکنجه یا رفتار یا تنبیه بی‌رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز قرار گیرد». اما اشکال مختلف بروز رفتار غیرانسانی و بی‌رحمانه با انسان‌ها، در کشورهای مختلف، گاه کاملاً سازمانیافته، از سوی حکومت‌ها، همچنان با گستردگی ادامه دارد.

در ایران گفتگو پیرامون وجود شکنجه و رفتار غیرانسانی با دستگیرشدگان، در مواردی از شکل تابو به در آمده و به عرصه مطبوعات راه یافت. تا قبل از دستگیری شهرداران نواحی تهران، هیچ سخنی و هیچ نوشته‌ای از وجود شکنجه در جمهوری اسلامی در مطبوعات قانونی راه نمی‌یافت، اما وجود اختلاقات جناحی و اعمال شکنجه علیه کسانی که حامیان قدرتمندی در خود حکومت داشتند، باعث شد تا دیوارهای سکوت در این زمینه شکاف بردارد. اما تاکنون با دقت و به طور مطلق، از سکوت در مورد شکنجه انبوه انسان‌های خارج از مدار حاکمیت حفاظت می‌شود و این داستان در آوری است که اگر سخن گفتن در مورد آن آغاز شود، تمامی وجدان‌های بیدار جامعه ما را به سختی تکان خواهد داد.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی از همان آغاز تاسیس حاکمیتش و به همین منظور، در چنان ابعاد و با چنان برپیریتی به اعمال شکنجه بر زندانیان سیاسی پرداخت که از وصف خارج است. انواع شکنجه‌های روانی و جسمی، جان و سلامت هزاران انسان را به کام خود کشید، سرانجام روزی پرده فرو می‌افتد و عمق و گسترده اعمالی که توسط شکنجه‌گران جمهوری اسلامی، و با پوشش و نام شرعی تعزیر و حد، بر فرزندان این مرز و بوم رفته است، آشکار خواهد شد. آن زمان آشکار خواهد شد که چگونه انسان‌های بی‌دفاع به صلابه کشیده شدند، پیکرشان از هم دریده شد، روح و روانشان در هم تنیده شد، زن در برابر شوهر و فرزند در برابر مادر به بی‌شرمانه‌ترین شکل مورد سواستفاده و تجاوز قرار گرفت تا «نظام» تثبیت شود و حاکمیت آن تداوم یابد و ننگ بر آن نظام و حاکمیتی که نجات و تداوم خود را در چنین شیوه‌هایی می‌بیند و می‌داند.

شکنجه‌ها برای حفظ نظام صورت می‌گرفت و می‌گیرد و همراهی با آن و توجیه آن و سکوت در برابر آن نیز از سوی بسیاری از منتقدان حکومت، به عنوان «مصلحت نظام» صورت می‌گیرد. نظامی که مصلحت آن در پوشاندن تبهکاری‌هایش باشد، آینده‌ای ندارد و سکوت و سرپوش گذاشتن بر جنایات آن، خود توجیه کنندگان را نیز شریک در تبه‌کاری می‌کند. در دنیای امروز ما، بر این حقایق هیچگاه نمی‌توان سرپوش گذاشت.

شکنجه در ایران متأسفانه مربوط به گذشته نیست. گستردگی سال‌های ۶۰ تا ۶۸ را ندارد، اما همچنان روال معمول و هنجار پذیرفته شده در برخورد با دستگیرشدگان سیاسی و غیرسیاسی است. انسان‌های بسیاری در سراسر ایران و به ویژه دستگیرشدگان سیاسی، همچنان و به گستردگی در معرض شکنجه یا رفتار یا تنبیه بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار دارند.

ما نیز با این پیام دیویرکل سازمان ملل متحد همراهیم که آرزو کرد: «بر بنیاد اعتقاد به عزت و ارزش انسان، زمانی برسد که شکنجه سرانجام پدیده‌ای متعلق به گذشته باشد.»

کدام «مصلح ملی» مانع از آن است که بگوئید در اصفهان و نجف آباد با مردم چه کرده‌اید؟

به نوشته روزنامه‌های تهران، استاندار اصفهان در نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی، «گزارش روشنگرانه‌ای» در باره وقایع اصفهان و نجف آباد ارائه داده است. سر تا سر این «گزارش روشنگرانه» در این باره است که «مصلح ملی» اجازه نمی‌دهد آن چه که در اصفهان و نجف آباد گذشته است، به آگاهی مردم برسد. استاندار اصفهان در این باره به ناطق نوری نوشته است: جناب‌عالی! بهتر از دیگران می‌دانستید که بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهای شورای تأمین استان و شهرستان و نیز کمیته ویژه، به دلایل امنیتی، قابل طرح در رسانه‌های گروهی نیست و جناب آقای عبدالله نوری وزیر سابق کشور... از بیان آن‌ها در روز استیضاح خودداری کردند.

استان‌دار اصفهان، در «گزارش روشنگرانه» خود تنها اشاره کرده است که ریاست جمهوری و شورای عالی امنیت ملی، از «عملکرد قاطع و موثر» استان در زمینه وقایع نجف آباد و اصفهان زبان تشکر و تقدیر و تشکر

و بسیج حزب الله شد. استاندار اصفهان در نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی، «گزارش روشنگرانه‌ای» در باره وقایع اصفهان و نجف آباد ارائه داده است. سر تا سر این «گزارش روشنگرانه» در این باره است که «مصلح ملی» مانع از آن است که بگوئید در اصفهان و نجف آباد با مردم چه کرده‌اید؟

روزنامه همشهری:

جریان غالب در انتخابات از حضور مردم

در تقابل‌های سرنوشت‌ساز می‌کاهد!

● شمشیرهای دو لبه به آرامی تحت عنوان محاکمات، استیضاح، تعطیل نشریات و... فرود می‌آیند و این ناظران عبور در عرصه قانون، نجیبانه گرفتار آمده‌اند

● آیا هنگامی که در مقابل شما نیروهایی بی‌اعتقاد به قانون و منافع ملی حضور دارند، امکان قانونمند و قانونگرا بودن تا چه حد باقی می‌ماند

روزنامه همشهری، در یک یسارداشت سیاسی چهار شماره‌ای، که بعد از استیضاح نوری در مجلس نوشت، خاموشی و سکوت خانی و اصلاح‌طلبان در برابر تهاجمات جناح راست را مورد انتقاد قرار داد و «به نظر می‌رسد نوعی تجدید نظر در وقایع جاری کشور، چه از سوی رئیس جمهور و چه از سوی نیروهای طرفدار دولت و اکثریت رای دهندگان به برنامه‌های دولت، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. همشهری از دولت و مردم خواست که به «گرفتاری نجیبانه در عرصه قانون» پایان دهند. همشهری نوشته است:

حقیقت این است که همه جناح‌های سیاسی در کشور و اسدادر حضور و مشارکت حماسی مردم‌اند؛ جناح بازنده، از جهت‌گیری و خواست‌های مردم با کمترین هزینه اطلاع حاصل کرده و از ورود ناآنیانه به عرصه‌ای که صلاحیت و مشروعیت لازم را نداشته برحذر داشته شده و جریان غالب نیز با پشتوانه اکثریتی عظیم و بی‌مانند، به بلندترین عرصه‌های مشروعیت و اعتبار ملی صعود کرده است. در مقابل این واقعیت آشکار، جناح متوقع نشان داده است که قابلیت درک شرایط موجود و ظرفیت و حساسیت نهفته در آن را ندارد و به جای گام نهادن در مسیری که به کسب وجهه و مشروعیت مردمی بینجامد، به دنبال درهم شکستن تمایلات مردمی و کسب سریع

قدرت یکپارچه و انحصاری رفته است. در مقابل، جریان غالب در انتخابات نیز، با اتکالی یک سویه به قوانین جاری و ممانعت اخلاقی، از حضور مردم در صحنه تقابل‌های سرنوشت‌ساز می‌کاهد و بهای لازم را به افکار عمومی و قدرت نهفته در آن نداده است. شاهد مثال در این زمینه: عدم افشای جرائم و تقلب‌های انتخاباتی، عدم اشاره مستقیم به کارشکنان و خط تخریب و کارشکنی در کشور، عدم انتشار پرونده شکنجه‌های مدیران شهرداری، عدم موضع‌گیری و برخورد فعال با نیروهای کارشکن که قوانین جاری را سیر کرده‌اند و حتی عدم گفتگوهای صریح و بی‌پرده در باب حقایق و مشکلات و سیاست‌های جاری با مردم. حقیقتاً سریع‌تر از این ممکن نبود که جای را برپایزگران بی‌اعتبار چنان باز کنند که سخنان دولتیان در صدا و سیما سانسور شود، گردهمایی‌های کوچک دانشجویی درهم شکسته شود، مدیران سازندگی به بند و شکنجه از میدان خارج شوند، نشریات در هراس و در معرض تهدید و تعطیل قرار گیرند، وزیر محوری و پر قدرت دولت با آرای مسخودش برکنار شود، تنش‌زدایی و آرامش و حیثیت بین‌المللی که با خون دل و ظرافت فراوان به دست می‌آید با چند کلمه و چند حرکت قبیح به ضد آن تبدیل شود، کاندیداها و نیروهای مستقل و با سابقه در هر

عبدالله نوری وزیر سابق کشور:

در جریان استیضاح وزارت را از من گرفتند

ولی اندیشه مرا نمی‌توانند بگیرند

وزیر جدید اواخر تیرماه معرفی می‌شود

عبدالله نوری معاون توسعه و امور اجتماعی رئیس جمهور روز شنبه ۸ تیرماه در مراسم خداحافظی با کارکنان وزارت کشور اظهار داشت از روزی که استیضاح مطرح شد، بیش از آن که به خردم فکر کنم به رئیس جمهور فکر می‌کردم که با تکیه بر ۲۰ میلیون رای مردم یا به عرصه گذاشته ولی از اختیارات متناسب با مسئولیت خود برخوردار نیست و به این لحاظ می‌گویم که خاتمی مظلوم است.

نوری افزود: من از یازده ماه پیش مسئله استیضاح را پیش‌بینی کرده و در این باره حدس زده بودم که پس از شش ماه روی کار آمدن دولت، من استیضاح خواهم شد ولی آقایان لطف کردند و چهار ماه اضافه به من مهلت دادند. من آنگونه عمل کردم که احساس می‌کنم رضایت مردم و حساسی اکثریت قاطع جامعه همراه من و پشتوانه حرکت من بوده و این از هر چیزی برای من

بزرگ‌تر می‌کند؟ استیضاح‌کنندگان نوری، «سهل‌انگاری» او در سرکوب مردم نجف آباد را دلیل بی‌کفایتی او دانسته‌اند و گفته‌اند که این بی‌کفایتی به اندازه‌ای بوده است که خاتمی‌ها برای پایان دادن به «غائله» شخصاً مجبور به دخالت و بسیج حزب الله شد.

بیانیه مشترک

در رابطه با رویدادهای اخیر ایران

مرجعین تام‌گرا در حاکمیت با گشایش چپ‌های جدید، علیه آزادی‌خواهان و اصلاح‌طلبان و برای به شکست کشاندن تجربه جدید مردم و بازگرداندن جامعه فضای پیش از دوم خرداد به تعرض گسترده‌ای دست‌زده‌اند. جناح ارتجاعی در گام نخست به مطبوعات مستقل و منتقد یورش آورده است. قوق قضاییه که در انحصار این نیروهاست، روزنامه مستقل جامعه را که در مقابل تهدیدات فرمانده سپاه پاسداران ایستاده و علیه سخنان وی موضع گرفته بود توقیف و امتیاز آن را لغو کرد.

روزنامه جدیدالتاسیس گزارش روز را به خاطر افشا و دزدی‌های مقامات حکومت اسلامی توقیف و مدیر آن را بازداشت نمود. سران این جناح در تریبون‌های نماز جمعه و در اظهاراتشان بر حملات خود به مطبوعات مستقل و منتقد افزوده‌اند. آنها می‌گویند که مطبوعات مستقل و منتقد «امنیت ملی» کشور را به خطر انداخته است.

همزمان با یورش به مطبوعات، حمله دستجات چماقدار به اجتماعات، تظاهرات و جلسات سخنرانی حدت یافته است. کسانیکه به کمک‌آبادی چماقدار خود و با حمایت نیروهای انتظامی به جلسات و میتینگ‌های قانونی و مسالمت‌آمیز حمله کرده و امنیت را از مردم سلب کرده‌اند. وزیر کشور و آقای عبدالله نوری را به دلیل دادن مجوز قانونی به این جلسات و تظاهرات به سیاست ایجاد تشنج و درگیری متهم نموده و با داشتن رای اکثریت در مجلس وی را استیضاح کرد و به او رای عدم اعتماد می‌دهند. برنامه بعدی آنها استیضاح وزیر ارشاد است. به همراه پیشبرد این برنامه‌ها، قوه قضاییه شهردار تهران را به دادگاه کشیده و می‌کوشد وی را محکوم کند.

هم‌میهنان عزیز: اقدامات سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده و اظهارات مشابه گردانندگان جناح راست و تاکتیک‌های یکسان آنها حاکی از آن است که همه این برنامه‌ها در ستاد معینی طراحی شده و از آنجا هدایت و رهبری می‌شود. تاکتیک طراحان توطئه‌ها از یک سو سرکوب حامیان اصلاحات وی و از سوی دیگر فاصله انداختن بین خاتمی و نیروهای طرفدار وی است. آنها می‌گویند، خاتمی انسانی خوب و وفادار به ولایت فقیه است و همه تقصیرها به گردن طرفیان اوست. نیروهای ارتجاعی در همین راستا حملات خود را به روی وزیر کشور و ارشاد که پیش‌برنده برنامه‌هاست در عرصه سیاسی و فرهنگی هستند متمرکز نموده‌اند. جناح حاکم در عین حال پیشبرد برنامه‌های گفته شده، همچنان در امور اقتصادی کارشکنی می‌کند و می‌کوشد ناراضی‌ها در میان مردم افزایش یابد و سرانجام مردم از دولت خاتمی ناامید شده و ضوابط برای برکناری وی فراهم گردد.

هموطنان گرامی، نیروهای آزادخواه: جناح ارتجاعی با برنامه سازمان‌یافته در صدد مصادره آن دستاوردهایی است که مردم کشور ما در انتخابات ریاست جمهوری و در طی یکسال اخیر با تلاش و مبارزه پیگیر به دست آورده‌اند. آنها می‌خواهند، مطبوعات مستقل و منتقد دفاع نمود، حمایت محافل مترقی وزیر کشور، وزیر ارشاد را نیز برکنار سازند. فضای خفقان‌آور بر کشور تحمیل کنند و زبان مخالفین را بی‌رنگ و رعب و مرگ را بر کشور حاکم کنند و بی‌مهیا ثروت ملی را غارت کنند.

در چنین شرایط حساسی باید در مقابل این یورش ارتجاع ایستاد و آن را عقب‌نشاند. برای حصول به این هدف لازمست توطئه‌های ارتجاع را افشا کرد، از مطبوعات مستقل و منتقد دفاع نمود، حمایت محافل مترقی بین‌المللی را نسبت به جنبش آزادخواهانه کشور جلب کرد و از دولت خاتمی خواست که هر چه سریعتر موانع حضور احزاب سیاسی کشور و تشکیل سازمان‌های صنفی و دمکراتیک را از میان بردارد، افکار عمومی را در جریان کارشکنی و خرابکاری‌های جناح حاکم در پیشبرد برنامه‌هایش قرار دهد و حضور مردم در صحنه سیاسی کشور را به اشکال مقتضی تأمین کند.

تیر ماه ۱۳۷۷ دفتر همکاری جمهوریخواهان دمکرات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمان جمهوریخواهان ملی ایران حزب دمکراتیک مردم ایران

نخست وزیر ایتالیا به ایران سفر کرد

رومانو پرودی، نخست وزیر ایتالیا، که سه شنبه هفته گذشته در راس یک هیات سیاسی - اقتصادی به ایران سفر کرده بود، پس از گفتگو با رهبران جمهوری اسلامی، روز پنجشنبه ایران را ترک کرد.

پرودی به هنگام ورود به تهران به خبرنگاران گفت وی فقط به عنوان نخست وزیر ایتالیا به ایران سفر کرده و از طرف اتحادیه اروپا هیچگونه مسئولیتی در گفتگو با مقامات جمهوری اسلامی به وی سپرده نشده است. اما گزارش‌هایی که از گفتگوهای وی با خاتمی و خاتمی‌ها در مطبوعات بازتاب یافت، نشان داد که نخست وزیر ایتالیا نه تنها از جانب این کشور، بلکه به نمایندگی از طرف اعضای اتحادیه اروپا و نیز آمریکا، به ایران سفر کرده است. موضوعات حمایت جمهوری اسلامی از تروریسم، کارشکنی آن در روند صلح خاورمیانه و تلاش‌های حکومت اسلامی برای دستیابی به سلاح‌های

نمی‌تواند این حق را سلب کند و یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. وی اظهار داشت: با تمام توان با حرکات قیام‌آبانه برای مردم مقابله خواهیم کرد و سمت و سوی کشور را به گونه‌ای جلو خواهیم برد که بهترین ابزار را در انتخابات چه خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس و شوراها نمایشی نباشد. از سوی دولت اعلام شده که وزیر جدید کشور اواخر تیرماه به مجلس معرفی خواهد شد. یکی از ایرادهایی که استیضاح کنندگان بر نوری داشتند می‌گفتند که وی با اقدامات خود راه معامله را بسته است. باهنر از اعضای بانفوذ جناح رسالت گفت: «حالا که» استانداران، فرمانداران، بخشداران، دهداران عوض شده‌اند و کنار گذاشته شده‌اند، لایه فقط برای ما آبدارچی‌ها باقی می‌ماند که با هم معامله کنیم». حالا آنان از رئیس جمهور می‌خواهند وزیر اهل معامله‌را به مجلس معرفی کند. □

«کمیته بحران» تشکیل شد

برای مقابله با وخامت اوضاع اقتصادی برنامه موثری وجود ندارد

به نوشته روزنامه‌های تهران، یک «کمیته بحران» در سازمان برنامه و بودجه کشور تشکیل شده است تا با آثار منفی کاهش قیمت نفت مقابله کند. بهای نفت ایران که به حدود ۱۰ دلار در هفته‌های اخیر حتی زیر ۱۰ دلار رسید، موجب کسر بودجه عظیمی شده، درآمدهای ارزی ایران را به شدت کاهش داده و اقتصاد کشور را در یک بحران سخت فرو برده است. مسئولین دولتی از عدم تحقق ششصد میلیارد تومانی بودجه امسال سخن می‌گویند.

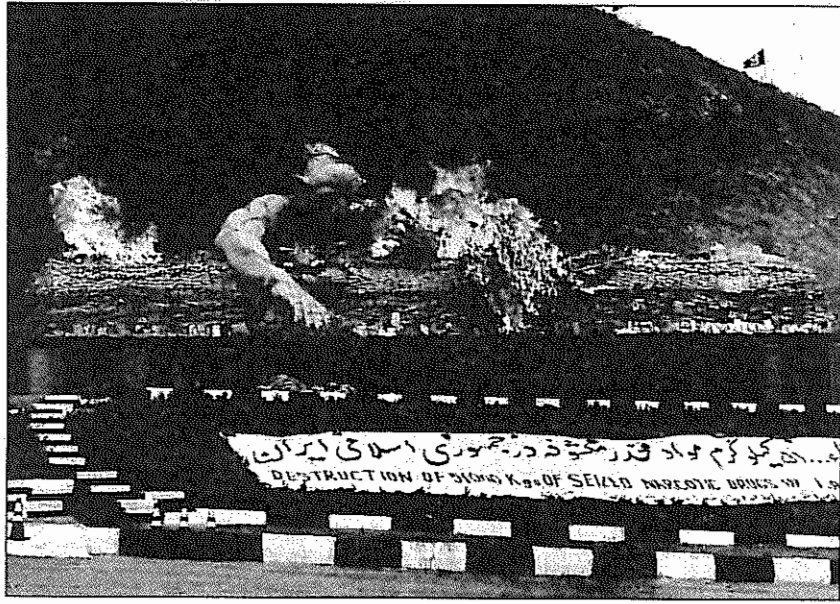
کمیته است. مقامات جمهوری اسلامی، هنوز مردم را از تبعات کاهش شدید قیمت نفت، آگاه نکرده‌اند. فروش نفت به میزان ۶ دلار کمتر از آن چه در برنامه بودجه سال ۷۷ پیش‌بینی شده بود، اقتصاد ایران را به سمت یک پرتگاه عمیق می‌برد. وابستگی اقتصاد ایران به نفت چنان است که هر تغییر در قیمت‌ها به سرعت بر آن تاثیر می‌گذارد.

ناموفق تر دارد. پیشنهادهای که «کمیته بحران» ارائه داده است، حساسی است. کمیته بحران» مقامات جمهوری اسلامی، هنوز مردم را از تبعات کاهش شدید قیمت نفت، آگاه نکرده‌اند. فروش نفت به میزان ۶ دلار کمتر از آن چه در برنامه بودجه سال ۷۷ پیش‌بینی شده بود، اقتصاد ایران را به سمت یک پرتگاه عمیق می‌برد. وابستگی اقتصاد ایران به نفت چنان است که هر تغییر در قیمت‌ها به سرعت بر آن تاثیر می‌گذارد.

در هیاهوی «موفقیت‌های بزرگ در مبارزه با مواد مخدر» واقعیات تلخ پنهان مانده است!

در هفته گذشته، جمهوری اسلامی تبلیغات گسترده‌ای را در مورد موفقیت‌هایش در زمینه مبارزه با مواد مخدر به نمایش گذاشت. اوج این تبلیغات مراسم سوزاندن ۵۱ تن مواد مخدر بود که با حضور آقای رئیس‌جمهور و نماینده ویژه سازمان ملل متحد صورت گرفت.

در مبارزه با مواد مخدر نمایانده می‌شود، سوی دیگر و تلخ این پدیده در هیاهوی این تبلیغات پنهان مانده است. اعتیاد به مواد مخدر در ایران و به ویژه در میان جوانان با سرعت و ابعاد نگران کننده رو به افزایش دارد. یک ماه پیش از این تبلیغات گسترده، دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر اعلام کرده بود:



«تعداد معتادان کشور در چهار سال گذشته دو برابر شده، به طوری که از ۵۰۰ هزار نفر در چهار سال قبل به یک میلیون نفر در حال حاضر رسیده است.»

اشتباهی که جبران شد...!

«و اما اشتباهی که ما کردیم این بود که به طور انقلابی عمل نکردیم و مهلت دادیم به این قشرهای فاسد، و دولت انقلابی و ارتش انقلابی و پاسداران انقلابی، هیچ یک از این‌ها عمل انقلابی نکردند و انقلابی نبودند. اگر ما از اول که رژیم فاسد را شکستیم و این سد بسیار فاسد را خراب کردیم، به طور انقلابی عمل کرده بودیم، قلم تمام مطبوعات را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد را تعطیل کرده بودیم و روسای آن‌ها را به محاکمه کشیده بودیم و حزب‌های فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم و روسای آن‌ها را به سزای خودشان رسانده بودیم و چوبه‌های دار را در میدان‌های بزرگ برپا کرده بودیم و قفسه‌های پر از زخم‌ها را پیش نمی‌آمد.» (آیت‌الله خمینی)

ابزارهای کهنه در شرایط تازه

عصر ما: حامیان راستین خاتمی در شرایط حساس و بحرانی کنونی می‌بایست بدانند که چپ‌روی و آنارشسیسم بیش از راست‌روی و فاشیسیسم، به این نیروها لطمه می‌زند و وظیفه جناح‌های حامی خاتمی، مقابله جدی با چپ‌روی و آنارشسیسم است و نه دنباله‌روی از آن

اگر بخواهیم در باره مجاهدین انقلاب اسلامی بسیار خوشبینانه سخن بگوییم، آن‌ها هدف و وسیله را با هم عوضی گرفته‌اند! برای آنان هدف، ادامه حکومت و بقای دولت آقای خاتمی است و آزادی‌های سیاسی و حقوق مشروع مردم، ظاهراً وسیله‌ای برای توجیه و حفظ این حکومت است. اگر چنین نبود، مجاهدین انقلاب اسلامی این قدر آسان رای به محدود ساختن همین اندک فضای آزادی که در کشور به وجود آمده است، به بهانه حفظ دولت آقای خاتمی نمی‌دادند

نشریه عصر ما، در مقاله‌ای با عنوان «آیا خطر تکرار مشروطه یک توهم است؟»، «پیشنهادات جدیدی به دولت خاتمی» ارائه داده است. عصر ما نوشته است:

رئیس‌جمهور محترم می‌بایست ضمن تاکید بر شعارهای انتخاباتی خویش همچون آزادی اجتماعات، مطبوعات و... توجه داشته باشند، دولتی که اطلاعات و نیروی انتظامی را اختیار ندارد، نباید مجوز اجتماع، راهپیمایی و انتشار نشریه به عناصر مشکوک بدهد که با برنامه‌های از پیش طراحی شده، به طرح مسایل و شعارهای تند و غیرمسئولانه و یا ترویج ابتذال بپردازند و با هماهنگی مخالفان، به تشنج و بحران دامن بزنند. دولتی که به دلیل عدم تسلط بر سیستم اطلاعاتی و انتظامی نمی‌تواند ریشه‌های تشنج و درگیری چهارم خرداد ۷۷ را در پارک لاله دقیقاً کشف کند، نمی‌بایست اجازه برگزاری چنین اجتماعاتی را در مکان‌های عمومی داده و پاسخ‌گویی درگیری‌های از پیش طراحی شده و بعضاً ساختگی شود. دولتی که امکان تحقیق در باره هویت و ماهیت مدیر مسئول نشریه‌ای که بلافاصله پس از انتشار سه درج مطالب مبتذل می‌پردازد، ندارد، نمی‌تواند از سابقه همکاری او با برخی نهادها کسب اطلاع کند، می‌بایست در صدور مجوز نشریات احتیاط بیشتری به خرج دهد.

عصر ما از این «رهنمودها» نتیجه‌گیری کرده است: «حامیان راستین خاتمی در شرایط حساس و بحرانی کنونی می‌بایست استراتژی خود را با توجه به اهداف، امکانات، توانایی‌ها و محدودیت‌های خود طراحی کنند، از طرح شعارهای غیرعملی، دور از دسترس و غیر متناسب با توانایی‌هایشان اجتناب ورزند و بدانند که چپ‌روی و آنارشسیسم بیش از راست‌روی و فاشیسیسم، به این نیروها لطمه می‌زند و وظیفه جناح‌های حامی خاتمی، مقابله جدی با چپ‌روی و آنارشسیسم است و نه دنباله‌روی از آن.»

عصر ما در نتیجه‌گیری‌های خود این داستان کهنه را نیز تکرار کرده است که: «چپ‌نمایی‌های امروز که به نظر می‌رسد با هماهنگی راست صورت می‌گیرد تا زمینه شبه کودتا را فراهم کند، یادآور چپ‌روی‌های حزب توده در ماه‌های آخر حکومت مرحوم مصدق بود که زمینه‌ساز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گردید.»

برای آن که بتوان تصویر کامل‌تری از دیدگاه‌های سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به دست آورد، باید تحلیل این سازمان از نیروهای سیاسی کشور را نیز به آن چه این سازمان رهنمود می‌دهد، اضافه

کسانی که همیشه در جمهوری اسلامی از این حق برخوردار بوده‌اند؟ عصر ما در این مقاله نوشته است: «دولت باید آموخته باشد که برای انحصارطلبان هدف وسیله را توجیه می‌کند.» سخنی است بسیار بجا، به ویژه در همین مقاله «آیا خطر تکرار مشروطه یک توهم است؟» سخن این جاست که چه چیز امروز در ایران هدف است و چه چیز وسیله؟ هر عقل سلیمی این را به خوبی می‌داند که هدف در ایران امروز استقرار آزادی‌های سیاسی در کشور است و دولت آقای خاتمی، اگر بتواند و همت کند، یک وسیله برای کمک به این‌هدف خواهد بود. اما مجاهدین انقلاب اسلامی، اگر بخواهیم در باره آن‌ها بسیار خوشبینانه سخن بگوییم، هدف و وسیله را با هم عوضی گرفته‌اند! برای آنان هدف، ادامه حکومت و بقای دولت آقای خاتمی است و آزادی‌های سیاسی و حقوق مشروع مردم، ظاهراً وسیله‌ای برای توجیه و حفظ این حکومت است. اگر چنین نبود، مجاهدین انقلاب اسلامی این قدر آسان رای به محدود ساختن همین اندک فضای آزادی که در کشور به وجود آمده است، به بهانه حفظ دولت آقای خاتمی نمی‌دادند. آیا به راستی دولت آقای خاتمی آمده است تا وعده خود در مورد آزادی‌های سیاسی را عملی کند، یا سود و زیان انتشار نشریات و برگزاری اجتماعات را برای دولت خود پایه تصمیماتش قرار دهد؟ برای مجاهدین انقلاب اسلامی، هنوز افکار پوسیده و خطرناکی نظیر «عناصر مشکوک»، «عدم امکان تحقیق» و... کافی است تا حکم به بستن روزنه کوچکی که رو به آزادی پدید آمده است، بدهند!

۲. مجاهدین انقلاب اسلامی هشدار می‌دهند که خطر چپ‌روی و آنارشسیسم، بیش از راست‌روی و فاشیسیسم است. مظهر چپ‌روی و آنارشسیسم نیز برای آنان تظاهرات دانشجویان در پارک لاله و انتشار روزنامه‌هایی مثل

«جامعه» و اقداماتی است که دانشجویان ایران انجام می‌دهند. این سازمان علیرغم تحلیل‌های بسیار آتشینی که علیه «راست سنتی» داده است، هیچ‌گاه تاکید بر این نکته را فراموش نکرده است، که خود را با این «راست سنتی» بسیار نزدیک تر از نیروهایی می‌داند که در درون حکومت نیستند. اما تحلیل اخیر عصر ما، در این زمینه، حاوی عنصر کاملاً تازه‌ای است. این نشریه تا کنون می‌گفت و می‌نوشت که خطر اصلی از سوی همین جناح «راست سنتی» است، اما حالا این نشریه می‌نویسد که «چپ‌روی و آنارشسیسم» به خطر اصلی تبدیل شده است.

«عصر ما» صاف و ساده خاک در چشم مردم می‌پاشد و آنان را از خطر عظیم هیولای بازار و نیروهای وابسته به خاندان‌های و افرادی چون رحیم صفوی غافل می‌سازد و آنان را به دانشجویانی حواله می‌دهد که در پارک‌ها گردمی آیند و خواهان آزادی و حقوق خویش می‌شوند. این نشریه هنوز در خیال آن است که اگر دانشجویان به خیابان‌ها نیایند، اگر روزنامه‌ها زبان خود را ببندند، اگر «چپ‌گرایان» و آنارشسیست‌ها توسط دولت «مهار» شوند، آن‌گاه دیگر آقای عبدالله نوری در مجلس استیضاح نمی‌شود و رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران شمشیر خود را غلاف می‌کند. این خوابی است که اگر تحقق یابد، اصلاح‌طلبان واقعی در هر صورت در آن بازنده خواهند بود. چه آقای نوری از وزارت خلع شود و چه مشی را در پیش گیرد، که «راست سنتی» را راضی کند، اصلاح‌طلبی در ایران باخته است.

توصیه‌های سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در مورد ضرورت پرهیز از چپ‌روی و به بیان درست‌تر میدان دادن به مردم و شعارها و خواست‌های آنان، امروز بیش از پیش ناکارایی خود را نشان داده است. بعد از دوم خرداد ۷۷ و هم‌زمان با تهاجم آشکار راست،

نیروهایی که هنوز می‌خواهند با جناح سرکوبگر زبان مشترکی بیابند و تحولات را با رضایت و موافقت انسان ادامه دهند، در بن‌بست کامل قرار گرفته‌اند. بعد از دوم خرداد ۷۷ این نیروها هیچ ابتکار تازه‌ای نداشته‌اند و تنها خود را به دفع حملات جناح مخالف و در برخی موارد به تسلیم به آن‌ها سرگرم ساخته‌اند. به چه امیدی؟

عصر ما امیدوار است که از این طریق دولت آقای خاتمی را حفظ کند، اما دولتی که بخواهد این گونه حفظ شود، بقایش هیچ افتخاری برای هیچ کس نخواهد بود. مجاهدین انقلاب اسلامی، جزو نخستین نیروهای خط امامی سابق بودند که توانستند برخی اندیشه‌های نورا را در تفکر خویش وارد سازند و تا اندازه‌ای مورد استقبال جوانان مذهبی شیفته تغییر و دگرگونی قرار گیرند، اما آنان اکنون متأسفانه، در هنگامی که نباید، موضوعی اتخاذ می‌کنند که نشانه ناتوانی از همراهی با پیشرفت جنبش مردمی است. آنان به راستی در این خیالند که با متقاعد ساختن دولت خاتمی، می‌توان مانع حرکات جوانان و مردمی شد که از ساخت و پاخت با سرکوب‌گران آزادی ناامید شده و به نیروی خود روی آورده‌اند؟

مجاهدین انقلاب اسلامی، ظاهراً انحصار «موافقت با دستاوردهای دوم خرداد» را به نام خود به ثبت رسانده‌اند و در این زمینه خود را بی شریک می‌دانند، اما واقعیت چیز دیگری است. اگر بتوان یک جمله در باره تمام این تحلیل‌های نشریه عصر ما و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی گفت، شاید بهترین جمله این باشد که اتفاقاً این سازمان است که در میان همه نیروهای وابسته به جناح اصلاح طلب حکومت، کمتر از همه از «دستاوردهای دوم خرداد» آسوده است. دوم خرداد نشانه قدرت مستقل توده‌های مردم نبود که اراده‌ای جدا از آن چه بالایی‌ها می‌خواستند را بر آنان تحمیل کردند و حالا عصر ما به نام دفاع از «دستاوردهای دوم خرداد» می‌خواهد که این اراده مستقل را به اتساع چپ‌روی و آنارشسیسم، بار دیگر قربانی دولت و متافع دولت سازد.

عصر ما چشم بر این واقعیت بسته است که اگر امیدی به نجات این دولت (و منظور شعارها و وعده‌های آن است) باشد، همان در خیزش دانشجویان و جوانان و توده‌های مردمی است که بیشتر و بیشتر می‌خواهند!

عصر ما در تقسیم‌بندی خود، تنها به همین گروه‌ها اشاره می‌کند. از نظر این روزنامه، هنوز هم هر کس مخالف جمهوری اسلامی است، لاجرم مسلح و تروریست است.

صادق چوبک نویسنده «تنگسیر» درگذشت

صادق چوبک از پایه گذاران پر آوازه ادبیات و داستان نویسی معاصر ایران شب جمعه در سن ۸۲ سالگی در آمریکا در گذشت. صادق چوبک در جنوب ایران در شهر بوشهر در سال ۱۲۹۵ شمسی متولد شد و تحصیلات متوسطه را در «کالج آمریکایی» خرمشهر به پایان رساند. نخستین مجموعه داستان چوبک در سال ۱۳۲۸ با عنوان «عنتری که لوطی اش مرده بود» منتشر شد. چاپ این اثر و آثار بعدی: روز اول قبر، چراغ آخر، کفترباز، خیمه شب بازی و دو داستان بلند سنگ صبور و تنگسیر چوبک را در میان مردم به عنوان داستان نویس صاحب سبک پر آوازه کرد. هر یک از این داستانها با ساز تابگر جنبه‌های مختلف زندگی مردم عادی ایران است که با زبان و روحیات همان مردم نوشته شده است و نویسنده تلاش کرده برای بیان واقعی‌تر زندگی مردم عادی زبان آنان را بازسازی کند. داستان «سنگ صبور» که در سال ۴۴ نوشته شده، زبان مردم کوچه و بازار شیراز است. داستان تنگسیر در سال ۴۲، بر اساس لهجه و فرهنگ محلی بوشهر نوشته شده است. برخی از مستندان بر ارزش ادبی تنگسیر خرده گرفته‌اند. برخی بر این عقیده‌اند که این داستان، بیان عریان بی‌رحمی‌های اجتماعی است. در تنگسیر قهرمان داستان، زار محمد انسانی است که علیه سرنوشت اجتماعی می‌شورد و در جهت تغییر موقیعت خود می‌جنگد و حاضر به تسلیم در برابر بی عدالتی اجتماعی نیست. زار محمد قهرمانی است که چوبک در سال ۴۲ و حوادث آن سالها با تکیه بر فرهنگ محلی بوشهر بازسازی می‌کند. در گذشت صادق چوبک را «کار» به جامعه ادبی ایران و خانواده وی تسلیت می‌گوید.

اجلاس اخیر کشورهای اوپک در کنترل قیمت‌های نفت موفقیتی به دست نیاورد و بهای نفت همچنان کاهش می‌یابد

علیرغم تصمیم اوپک به کاهش باز هم بیشتر تولید، بهای نفت در بازارهای جهانی همچنان بسیار پایین است و تغییرات مثبتی در آن به چشم نمی‌خورد و این در حالی است که عربستان اعلام کرده است در صدد تشکیل یک کارتل نفتی جدید به جای اوپک است.

بهای نفت، علیرغم تصمیم اخیر اوپک به کاهش تولید همچنان در سطحی پایین باقی مانده است. نفت سبک ایران در روز چهارشنبه دهم تیر ماه، به قیمت ۱۰/۴۶ دلار به فروش رسید که نسبت به سال گذشته حدود ۷ دلار کاهش داشت. وزرای کشورهای اوپک در اجلاس یک صد و پنجم خود تصمیم گرفتند ۱/۳ میلیون بشکه از تولید روزانه خود بکاهند. در اجلاس پیشین نیز تولید روزانه اوپک ۱/۲۴ میلیون بشکه کاهش یافته بود. به این ترتیب تولید این کارتل نفتی نسبت به ماه ژوئیه، ۲/۵

اوپک جدیدی تاسیس می‌شود؟

نفتی عربستان سعودی خبر داد این کشور در صدد ایجاد سازمان تازه‌ای از کشورهای نفتی است. وال استریت ژورنال نوشت: این گروه جدید، جدا از اوپک شکل می‌گیرد و مرکب از هفت تا نه کشور از جمله ایران خواهد بود و هدف آن اعمال کنترل بر قیمت نفت در جهان است. پنچ کشور بنیان‌گذار اوپک شامل ایران، عربستان سعودی، عراق، کویت و ونزوئلا، همراه با امارات متحده عربی، مکزیک و شاید یکی دو کشور دیگر این سازمان جدید را تاسیس خواهند کرد که ۷۰ درصد ذخایر نفتی جهان را در اختیار خواهند داشت. رهبری فعالیت‌هایی که برای تشکیل این اجلاس صورت می‌گیرد، با عربستان سعودی است.

روزنامه جمهوری اسلامی: ایران در وضعیت فعلی بحران نفتی مقصر است

در ایران انتقاد از سیاست‌های ناتوانی اوپک در سقوط قیمت‌ها، اندیشه تشکیل یک کارتل نفتی جدید به جای اوپک را به میان آورده است. نخستین بار روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال از قول مقامات

دانشجویان خواهان «انحلال مجلس ضد ملت» شدند

دانشجویان، خاتمی شعارهای آنان علیه مجلس را محکوم کرد و پشیمان خطرناک خوانند. خاتمی گفت: من برخی از شعارهایی که در مجامع مختلف از جمله نمازهای جمعه، مراکز دینی و دانشگاهی را درست نمی‌دانم و آن‌ها را بسیار خطرناک می‌دانم. او گفت: کسی حق ندارد به مجلس اهانت کند و یا خواستار از بین رفتنش بشود. رئیس جمهور تاکید کرد: ولایت فقیه محور اصلی نظام است و مخالفت با آن تنها مخالف با یک نظریه فقهی محسوب نمی‌شود، بلکه مخالفت با ولایت فقیه مخالفت با اصل و اساس نظام است. ناطق نوری، رئیس مجلس، در واکنش به تظاهرات دانشجویان گفت: در تاریخ نهم تیر ماه در دانشگاه تهران برای نخستین بار به «خانه ملت» جسارت شد. ناطق نوری این جسارت را

مردم بدانند شرایط داخلی کشور و نحوه اداره امور کشور چه راحتی صورت نمی‌گیرد. وی در باره آزادی گفت: تنها راه مواجهه با فکر و اندیشه، همان فکر و اندیشه و از راه منطق و گفت‌وگو است. صدیق و سوسی در سخنرانی خود گفت: حتی اگر ده‌ها وزیر در مجلس استیضاح شوند، چون مردم و گروه‌های سیاسی و دانشجویان خواستار توسعه سیاسی هستند، این حرکت ادامه خواهد یافت. در پایان گردهمایی، صددا نفر از دانشجویان در خیابان‌های اطراف دانشگاه راه‌پیمایی کردند و شعارهای خود را مورد انحلال مجلس را تکرار کردند.

ادامه از صفحه اول دفتر تحکیم وحدت بر پا شده بود، عبدالله نوری معاون رئیس جمهور در امور اجتماعی و توسعه، مهاجرانی سخنگوی دولت و وزیر ارشاد اسلامی، عباس دوزدوزانی، مهندس خرم استان‌دار خوزستان، میثم سعیدی عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت و صدیق و سوسی عضو شورای مرکزی مجمع نیروهای خط امام، سخنرانی کردند. عبدالله نوری استیضاح خود را اقدامی در جهت شفاف شدن مواضع دو جناح توصیف کرد و گفت: خیلی‌ها فکر می‌کردند که مجلس در جهت درخواست‌های دولت همکاری خواهد کرد، اما این موضوع به مردم نشان داد که چنین نیست و اکثریت مجلس با کشور موافق نیستند. نوری افزود: این روی داد باعث شد

مردم بدانند شرایط داخلی کشور و نحوه اداره امور کشور چه راحتی صورت نمی‌گیرد. وی در باره آزادی گفت: تنها راه مواجهه با فکر و اندیشه، همان فکر و اندیشه و از راه منطق و گفت‌وگو است. صدیق و سوسی در سخنرانی خود گفت: حتی اگر ده‌ها وزیر در مجلس استیضاح شوند، چون مردم و گروه‌های سیاسی و دانشجویان خواستار توسعه سیاسی هستند، این حرکت ادامه خواهد یافت. در پایان گردهمایی، صددا نفر از دانشجویان در خیابان‌های اطراف دانشگاه راه‌پیمایی کردند و شعارهای خود را مورد انحلال مجلس را تکرار کردند.

روزنامه نگاران کشور از خاتمی خواستند...

سخن‌گوی دولت در موضع‌گیری غیر مستقیمی، به این نامه پاسخ داد و اعلام کرد: ما باید به انتشار مستمر مطبوعات کمک کنیم، اما نشریاتی که به هر دلیل حقوق و محدوده خود را رعایت نکنند، متخلف محسوب می‌شوند و ما طرف‌دار قانون و حکم دادگاه هستیم. نشریه «عصر ما» فاش کرده است که آقای مهاجرانی، از جمله موافقان تعطیل روزنامه جامعه بوده است و از حکم دادگاه «استیضاح» کرده است. این نشریه در شماره ۲۷ خرداد ماه خود نوشته است: عمل‌کرد وزیر محترم شورای اسلامی نیز در این باره قابل تامل است. آقای مهاجرانی متأسفانه در قبال این روزنامه رفتار متعادل و مضبوطی از خود نشان ندادند... وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از حدود یک ماه (بعد از بازدید از

ادامه از صفحه ۱ علاقه و پشتکار و جدیت به فعالیت پیرداند در حالی که باتوجه به نظام قانونی فعلی، هر لحظه احتمال می‌دهند که پروانه نشریه یا روزنامه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، لغو شود و آنها کار و شغل خود را از دست بدهند. جناب رئیس‌جمهور! باتوجه به آنچه گفته شد، ما روزنامه نگاران کشور، ضمن ابراز نگرانی شدید از حکم دادگاه بدوی در مورد لغو امتیاز روزنامه جامعه، مصرانه از جنابعالی درخواست می‌کنیم که تمامی سعی خود را برای تغییر این رای در دادگاه تجدید نظر و تغییر قانون جاری که مجازات را متوجه شخصیتهای حقوقی کرده است، به کار گیرید. یک روز بعد از انتشار این نامه، عطاالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و

اگر شما به جای من بودید

● به دنبال چاپ این مقاله، حجت‌الاسلام

محسن سعیدزاده دستگیر شد

شتاب بگذرند؛ ۴. کسی صورت آن‌ها را نبیند؛ ۵. صدای آن‌ها را نشود؛ ۶. این روایات، حتی اجازه حمام رفتن به زنان نمی‌دهد؛ ۷. زنان اگر مجبور باشند حرف بزنند، فقط باید ۵ کلمه بگویند نه بیشتر؛ ۸. مردان نباید به آن‌ها نگاه کنند و اگر اتفاقاً چشم مردی به آن‌ها افتاد، برای بار دوم باید سر به زیر افکنند؛ ۹. مردان حق ندارند با آن‌ها حرف بزنند و حتی سلام کنند و یا آن‌ها را به خوردنی و آشامیدنی تعارف کنند؛ ۱۰. مسافرت کردن زنان جایز نیست؛ ۱۱. مرکب سواری جایز نیست؛ ۱۲. تشییع جنازه جایز نیست؛ ۱۳. حضور در نماز جمعه و عید معافانند؛ ۱۴. باید برای مرده خود گریه و زاری کنند؛ ۱۵. زنان موجوداتی هم‌ردیف آسب و خانه‌اند؛ ۱۶. باید آن‌ها را کتک زد؛ اگر زیر مشت و لگد شوهر بمریند، شوهر قصاص نمی‌شود؛ ۱۸. بیشتر اهل جهنم، زنانند.

هفته پیش خبر رسید که محسن سعیدزاده از مدرسین حوزه علمیه قم دستگیر شده است و از محل دستگیری او نیز اطلاعی در دست نیست. دستگیری سعیدزاده پس از انتشار مقاله‌ای از او به نام «اگر شما به جای من بودید» در روزنامه جامعه صورت گرفته است. او در این مقاله، به مناسبت تصویب طرح انطباق امور پزشکی، فرهنگ طالبان را مبتنی بر روایات دینی خوانده و بنیادگرایان ایرانی را با آن‌ها مقایسه کرده است. پس از انتشار این مقاله، روزنامه‌های ضد آزادی حملات شدید و هماهنگی را علیه او آغاز کردند. یکی از موارد اتهام روزنامه جامعه نیز انتشار همین مقاله عنوان شد.

سعیدزاده از روحانیونی است که مقالات زیادی نوشته است و از جمله در نشریه «زنان» نظرات فقهی در رد برخی قوانین جمهوری اسلامی پیرامون حقوق زن به چاپ رسانده است. در زیر بخش‌هایی از مقاله «اگر شما به جای من بودید» را می‌خوانید:

متون مستتب به دین و مجموعه‌ای که به نام دین عرضه می‌شود، به قدری انعطاف دارد که هم خشن‌ترین نوع حکومت‌ها را بر می‌تابد و هم انسانی‌ترین آن‌ها را. نرمن متون تا حدی است که هر طایفه و صاحب فکری می‌تواند خود را به دین مستتب کند و از این نور جواز مشروعیت بگیرد.

درست بسرخلاف همه روشنفکران ایرانی (با دلایلی که طرح خواهم کرد)، طالبان، یعنی حاکمان روحانی بخشی از سرزمین همسایه - افغانستان - را تایید می‌کنم!

محکوم کردن طالبان (طلبه‌های علوم دینی) افغانی، حاصل یک بی‌توجهی و گاهی جهل به مبانی موجود در مجموعه دین شناخته شده فعلی است. طالبان زابیده متونی‌اند که اکنون در دست ماست و اگر ایرانی‌ها هم بخواهند سستی عمل کنند، باید همان راهی را طی کنند که طالبان رفته‌اند، گاهی نیز چنین شده است. داستان دوپرخه سواری و ممانعت برخی از طلبه‌ها و مذهبی‌ها از آن، به استاد همان روایاتی بود که از مرکب سواری زنان سخن گفته است:

مجموعه احادیث موجود در حوزه‌های علمیه ایران، حاوی همان مبانی فکری و دیدگاهی است که طالبان به اجرا در آورده‌اند. خشونت و زهر این مجموعه در باره زنان، ملموس‌تر از هر موضوع دیگری است. کوتاه و در یک کلام، روایات موجود در مجموعه‌های حدیث مورد استفاده حوزویان (بفرمایید مسلمانان جهان)، مقرر می‌دارند:

۱. زنان حق حضور و رفت و آمد در جامعه را ندارند؛
۲. باید در خانه بمانند؛ ۳. اگر ضرورت اقتضا کند که از خانه بیرون آیند، باید از کنار دیوارها و کسار پیاده روها با

مردم با حلقه‌های گل به...

ادامه از صفحه اول پرسیدند آیا رهبری تیم ملی ایران در سیزدهمین دوره بازی‌های آسیایی را بر عهده خواهد داشت یا نه گفت: تصمیم نهایی فدراسیون فوتبال در چند روز آینده اعلام خواهد شد. تیم ملی فوتبال ایران در آخرین دیدار خود در جام جهانی به مصاف تیم ملی فوتبال آلمان رفت و دو بر صفر شکست خورد. در نیمه اول این دیدار ایران لغو و صاحب امتیاز و مدیر محرومیت از صاحب امتیازی و مدیر مسئولی روزنامه‌ها محکوم ساخت. در حالی که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، همگان را به اطاعت از بهانه‌گیری‌های دشمنان آزادی برای تعطیل مطبوعات ضد انحصار فرا خوانده است، کارزار علیه تعطیل روزنامه جامعه و تشدید فشارهای بیشتر به مطبوعات در ایران و خارج از ایران بالا می‌گیرد.

مردم با حلقه‌های گل به...

فرصت‌هایی بودند که از کف رفتند. در نیمه دوم تیم آلمان از همان آغاز فشار زیادی بر روی دروازه ایران آورد و بازی‌کنان ایران که در بازی آخر از قدرت بدنی لازم نیز پس از دو دیدار روز آینه اعلام خواهد شد. تیم ملی فوتبال ایران در آخرین دیدار خود در جام جهانی به مصاف تیم ملی فوتبال آلمان رفت و دو بر صفر شکست خورد. در نیمه اول این دیدار ایران لغو و صاحب امتیاز و مدیر مسئولی روزنامه‌ها محکوم ساخت. در حالی که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، همگان را به اطاعت از بهانه‌گیری‌های دشمنان آزادی برای تعطیل مطبوعات ضد انحصار فرا خوانده است، کارزار علیه تعطیل روزنامه جامعه و تشدید فشارهای بیشتر به مطبوعات در ایران و خارج از ایران بالا می‌گیرد.

با کمک‌های مالی خود ما را در انجام وظایف ملی و دموکراتیک‌مان یاری کنید!

سه زندانی سیاسی...

ادامه از صفحه اول زندانیان سیاسی، در اعتراض به شرایط زیستی غیرانسانی در زندان‌ها دست به اعتصاب زدند. مطابق گزارشاتی که بعداً منتشر

شد، در جریان این اعتصاب، شش تن از زندانیان سیاسی به شهادت رسیدند. چند زندانی از جمله معصومه بهتاش، ناهید آذری، میتا نمازی و رضا امیری ناپدید شدند که دیگر هیچ‌گاه اطلاع‌ها دست به اعتصاب زدند. دست نیامده است.

زنده باد ما طرفداران آقای خاتمی

زنده باد ما طرفداران آقای خاتمی که فروتنانه کتک می‌خوریم، موهبانه مورد اهانت و فحاشی قرار می‌گیریم، خالصانه مجلس را به جناح مقابل واگذار می‌کنیم، صبورانه استیضاح وزیر کشور را تحمل می‌کنیم، متواضعانه در برابر شکنجه‌های مدیران در زندان‌ها سکوت می‌کنیم، قانون‌مدانه تفسیر خور جناح انحصارطلب می‌شویم و بالاخره روزی هم محترمانه از صحنه کنار می‌رویم. واقعاً زنده باد ما! از پیام‌ها به «الر سلام»!

مردم از خاتمی چه می‌خواهند؟

اشاره مختلف مردم، تا آنجا که مطبوعات پیام‌هایشان را به چاپ می‌رسانند، خواسته‌های خود از از رئیس‌جمهوری رامطالبه می‌کنند. این پیام‌ها بیانگر انتظارات مردم، و به‌ویژه جوانان، از رئیس‌جمهور است: ● شما که صحبت از قانونگرایی می‌کنید پس چرا به وعده‌های انتخاباتی خود عمل نمی‌کنید. آیا این خود نوعی بی‌قانونی نیست؟ ● وقتی افرادی در جامعه از حداقل امکانات زندگی محروم باشند جامعه مدنی و آزادی چطور در جامعه نهادینه می‌شود؟ ● در دوم خرداد بار دیگر جوانان ایران هرچه داشتند در طبق اخلاص گذاشتند و با شما یکصدا شدند. اما شما با تمام توهین‌هایی که به آنها شد سکوت اختیار کردید و به جانبداری از آنان سختی نگفتید. ● شما همین امروز از پشوانه مردمی خود استفاده کنید. باید هم اکنون به مقابله توطئه‌هایی نظیر دادگاه شهردار، لغو امتیاز روزنامه جامعه و استیضاح وزیر کشور بپردازید قبل از اینکه مردم دل‌سرد شوند کاری نکنید. ● آخر نظارت بر اجرای قانون اساسی برعهده شماست. ● خط قرمز شما کجا است؟ تا کجا عقب‌نشینی خواهید کرد؟ آیا شما اجازه خواهید داد روزنامه جامعه را ببندند؟... وای به حال مردم. ● تحقق دیدگاه‌های آزادمنشانه و اصلاح‌طلبانه شما بستگی به ارتباط دائمی و مستقیم با پایگاه تأمین اجرایی شما، یعنی مردم دارد. با مردم صحبت کنید. ● مردم آگاه شده‌اند و زیر بار سلطه عوام‌فریبی نمی‌روند. آنها می‌خواهند به نام اسلام تمام آزادی‌ها و حتی روح اعتماد به نفس مردم را بگیرند... این مردم عاشق آزادی و دموکراسی و شادی هستند. □

آقای خاتمی جنبش مردم را تابع...

ادامه از صفحه اول
چیزی نیست که آقایان خاتمی و نوری و مهاجرانی بخواهند آن را موکول به ظهور مهدی موعود کنند. توقعات مردم، همان چیزهایی است که آقای خاتمی در انتخابات گفته است و هنوز هم به طور کلی تکرار می‌کنند: آزادی اندیشه و بیان، توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، گشایش کشور به سوی جهان. مگر آقای خاتمی هنگامی که این وعده‌ها را می‌داد نمی‌دانست که ولایت فقیه، اکثریت مجلس، نیروهای مسلح، شورای نگهبان، قوه قضائیه، رادپو و تلویزیون، مجلس خبرگان و ... در اختیار مخالفان آزادی و توسعه سیاسی است؟ مصطفی تاج‌زاده سرپرست وزارت کشور گفته است نوری می‌توانست در مجلس، مسائلی را افشا کند که به ناکام ماندن قصد مخالفین برای برکناری او می‌انجامید، اما بنا به «مصلحت نظام» از عنوان کردن آن‌ها خودداری کرد. همین «مصلحت نظام» است که همچون بندی سنگین بر دست و پای جناح طرفدار خاتمی قرار دارد. این بند خودخواسته، مانع از هر گونه مقاومت مؤثر آن‌ها در برابر هجوم یکپارچه دشمنان آزادی است. چنین نیست که گویند آقای خاتمی به اندازه کافی از مقاصد جناح مسلط حکومت خیر نداشته است، بلکه خاتمی و اطرافیانش تاکنون در انتخاب میان آنچه به مردم وعده داده‌اند و «مصلحت نظام»، عاملاً و عمداً دومی را برگزیده‌اند.
نوری در سخنان خود در دانشگاه تهران گفت: «دو اندیشه وجود دارد، اول اعتقاد به توسعه سیاسی و دفاع از حقوق و آزادی‌های مشروع، دوم گرایش به این اعتقاد که به استیضاح می‌کشند. اگر نوری و خاتمی و جناحشان، واقعاً در اعتقاد به توسعه سیاسی و حقوق و آزادی‌ها پیگیرند، باید بپذیرند که میان گرایش اعتقاد به آزادی و دشمنی بر سر آزادی، نمی‌تواند سازشی صورت گیرد. اگر آنها با دشمنان آزادی بر سر «مصلحت نظام» سازش کنند، این اعتقاد به آزادی است که باید قربانی شود. خلاف ادعای نوری که «من بر سر اصول معامله نمی‌کنم» تاکنون جناح خاتمی درست بر سر اصول آزادی‌ها و حقوق مشروع مردم با جناح راست مسلط در حکومت سازش کرده است.

نادرست‌ترین راهی که می‌توان در برابر مردم گذاشت، این است که از مردم بخواهیم سطح توقعاتشان را پایین ببرند. حتی برای بقای جناح خاتمی در قدرت نیز این راه، خطرناک‌ترین راه است. پشتیبانی مردم و توقعات مردم بود که این جناح را از موقعیت حاشیه‌ای پیش از دوم خرداد به موقعیت فعلی رساند. جناح خاتمی با دعوت از مردم به ماندن در چارچوب سازش‌های این جناح با دشمنان آزادی، خود را از نیروی عمده‌ای که می‌تواند با آنها بر آن، ورنه‌ای در مقابل مجموعه اهرم‌های نیرومند جناح راست ایجاد کند، محروم خواهد کرد.
مدافعان اعتدال در جناح خاتمی چنین خواهند گفت که «افراط» در طرح خواسته‌های مردم، رحیم صفوی‌ها را به میدان خواهد آورد و به قطع ریشه آزادی خواهد انجامید. هستند کسانی که می‌گویند خاتمی نباید راه بنی‌صدر را در پیش گیرد. در پاسخ به این دعوت‌ها به اعتدال، باید پرسید رحیم صفوی‌ها در کدام شرایط، زمینه مساعدتری برای «زبان بردن» و «گردن زدن» خواهند داشت، در شرایط حضور مردم در صحنه سیاست کشور، یا در شرایطی که مردم بنا به توصیه اطرافیان خاتمی، «توقع‌های خود را فراموشی کنند و مبارزه‌ای را که در دوم خرداد آغاز کردند، در میدان‌های مملو شده ادامه دهند که «قابل تحمل» باشد؟ کسی از خاتمی انتظار ندارد که به بقیه حکومت اعلان جنگ دهد، اما حداقل انتظار از جناح خاتمی این است که مانع تشکل و سازماندهی مردم برای دفاع از حقوق خود نگردد، مردم را به پیروی از مصالح خود و دولت خود دعوت نکند و بگذارد آنان آن گونه که خود می‌خواهند و تشخیص می‌دهند، به نبرد با ارتجاع برخیزند، در بستن زبان مطبوعات مستقل، و در «آرام کردن» دانشجویان و جوانان و زنان، با جناح راست هم‌آواز نشود.
آیا جناح خاتمی در مرجع شمردن «مصلحت نظام» بر حقوق و آزادی‌های مردم تجدید نظر خواهد کرد؟ پاسخ به این سؤال، توانایی‌های پیش‌گویانه می‌طلبید و موضوع این نوشتار نیست. مهم این است که اصلاح‌طلبان درون حکومت، در این تناقض، به انتخاب به سود مردم و آزادی تشویق گردند. □

رسوایی نظام قضائی نا کارآمد و غیر متعارف

در فاصله انتشار شماره پیشین نشریه تالین شماره، دو جلسه دیگر محاکمه غلامحسین کریاسچی شهردار معلق تهران برگزار شد. در این دو جلسه نیز چون جلسات پیش از آن، قاضی در موارد متعددی از جمله دادن هدیه به مدیران شهرداری و تأمین تسهیلاتی برای بعضی از افراد و مؤسسات خصوصی و دولتی، به کریاسچی اتهام اختلاس زد و او نیز متقابلاً چون گذشته عملکرد خود را قانونی و در چهارچوب اختیارات مدیران اجرایی دانست. در این دو جلسه به‌کرات از عدم «تفهم اتهام» به متهم از جانب کریاسچی و وکیلانش سخن رفت و از سبب محسنتی در هر جلسه موارد اتهام جدیدی بر اتهامات قبلی افزوده و به اصطلاح «تفهیم» شد. محسنتی در جریان محاکمه، حق «استطاق» را نیز برای خود قائل شد و به این ترتیب نشان داد که قادر است جسرین دادگاه را به درازا بکشد.
محسنتی، کریاسچی را بارها متهم نموده که از پاسخ به سؤالات وی طفره می‌رود و کریاسچی ضمن رد این ادعا، به کرات خواهان آن شده که شهادتی چون قبه معاون اداری وی،

در مورد صحت گفته‌های او شهادت دهند که رئیس دادگاه از دعوت این شاهدان به جایگاه ادای شهادت طفره رفت.
کریاسچی در دادگاه تأکید کرد که آن بخش از اظهارات مدیران خود را که در زندان (زیرزمین نیروهای انتظامی) ابراز شده است، قبول ندارد و به این ترتیب این اقرارات را ناشی از شکنجه دانست و فاش ساخت که او و مقامات قضائی توافق کرده‌اند که این‌گونه «اعترافات» مبتنی کار دادگاه نباشد.
کریاسچی در بسیاری از موارد نتوانست پاسخ روشنی به علل وقوع فعل و انفعالات مشکوک در واحدهای تحت مسئولیت خود بدهد و در مقابل اظهار داشت که تمامی ادارات و مؤسسات تحت نظارت دولت جمهوری اسلامی بدون حساب و کتاب درست اداره می‌شوند و شهرداری از این نظر نمونه بوده است.
در جریان دادگاه از دولتمردانی چون بهشارتی، زواره‌ی، نوری و کسانی چون علی‌هاشمی از نزدیکان رفتمحسنتی نیز سخن رفته است. محسنتی از وی حدائق در ظاهر نشان داد که علاقه‌ی به گسترش

تعرض به حقوق کارگران تشدید شده است

تومان می‌رسد. کارفرمایان بخش خصوصی نیز به عنوان مختلف از پرداخت حق بیمه کارگران به سازمان تأمین اجتماعی سر باز می‌زنند. این سازمان هشدار داده است که درآمدهای آن در سال ۱۳۷۹ دیگر تکافی هزینه‌ها را نخواهد داد و پیش‌بینی کرده است که سازمان تأمین اجتماعی برای نخستین بار با ۳۸۲ میلیارد ریال کسر بودجه مواجه شود.
کارگران اعتراض می‌کنند
کارگران در برابر افزایش فشارهای اقتصادی حکومت، در یک گردهمایی گسترده به این سیاست‌ها اعتراض کرده و خواهان حمایت قاطع قانون کار از امنیت شغلی شدند. این گردهمایی در ورزشگاه معتمدی تهران و با هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران برگزار شد. محجوب، دبیر کل خانه کارگر، امنیت شغلی را حداقل خواسته کارگران خواند. وی در سخنرانی خود گفت: مزد کارگران تنها شامل یک سوم نیاز واقعی آنان است و این در حالی است که عده‌ای اعتقاد دارند حقوق کارگران باید کاهش یابد. محجوب گفت: بررسی‌ها نشان

می‌دهد که قدرت خرید کارگران نسبت به بیست سال پیش ۴۰ درصد کاهش یافته است. دبیر کل خانه کارگر در مورد مشکل بسیاری گفت: برخی از کارفرمایان و مدیران واحدهای تولیدی به دلایل مختلف اقدام به تعطیل کارخانه، اخراج و عدم پرداخت حقوق ماهانه کارگران می‌نمایند و ما هر روز بیشتر شاهد بی‌خطر افتادن امنیت شغلی، یعنی اخراج از محیط‌های کار هستیم.
در این گردهمایی، کارگران خواستار لغو قراردادهای موقت که از سوی کارفرمایان سودطلب تحمیل می‌شود، شدند. محجوب در این باره گفت: این گونه قراردادهای کارهای مستمر مورد استفاده بیش از پیش مدیران و کارفرمایان قرار گرفته است. وی نیز خواستار حذف بخشنامه قراردادهای موقت کار شد و گفت: مخالفت با قانون و یا عدم اجرای صحیح آن مشکلات فراوانی برای کارگران فراهم کرده است و کارفرمایان خاطی باید مجازات شوند.
در پایان این گردهمایی کارگران با تصویب قطعنامه‌ای در ۱۱ ماده، خواستار اجرای مطالبات خود شدند. □

احمد رضایی فرزندان ارشد

فرمانده سپاه پاسداران به آمریکا پناهنده شد

احمد رضایی فرزند ۲۲ساله محسن رضایی دبیر شورای تشخیص مصلحت نظام و فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز پنجشنبه ۱۱ تیرماه در گفتگو با خبرنگار بخش فارسی صدای آمریکا اعلام کرد که هدف مبارزه علیه رهبران جمهوری اسلامی به آمریکای پناهنده شده است.
احمد رضایی در اولین اظهارات خود گفت: مدتی‌ها زیادی در سپاه پاسداران، بسیج و بخش‌های ویژه این دو ارگان بوده و از مسایل، مشکلات و اطلاعات پشت پرده دولت آگاهی دارم و برای افشاکردن این اطلاعات از ایران خارج شده است. احمد رضایی تأکید کرد که با رهبران جمهوری اسلامی از نزدیک آشنایی دارد و چپاول درآی‌های کشور توسط آنان

برای وی رنج آور و غیر قابل تحمل شده بود. وی از خامنه‌ای و رفسنجانی به عنوان سرکردگان فساد یاد کرد و گفت این حکومت لکه‌ننگی برای ایران است. رضایی افزود: آنان- رهبران جمهوری اسلامی- نه تنها دانش اداره کشور را ندارند، بلکه آدم‌های هستند که به اموال کشور دست دراز می‌کنند و در نابامانی اوضاع کشور همه رهبران رژیم و در راس آنان خامنه‌ای و رفسنجانی دخالت دارند.
احمد رضایی در مصاحبه‌اش با رادیو بی. بی. سی به دفاع از سپاه پاسداران پرداخت و دخالت این ارگان در سرکوب مردم را انکار کرد.
وی در باره دولت خاتمی گفت: خاتمی را تا وقتی مردم قبول دارند که در راه مردم قدم

خبرهای کوتاه

اعتراض گروهی از نمایندگان

رحمان قلی‌زاده نماینده بجنورد و عضو مجمع حزب‌الله مجلس گفت: پیرو اعتراض بیست و پنج تن از نمایندگان مجلس نسبت به محدود بودن نحوه رای‌گیری و کافی نبودن توضیحات هیات رئیسه در این زمینه، عده‌ای از نمایندگان مجلس قصد دارند با امضای نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس خواستار تشکیل جلسه فوق‌العاده مجلس شوند و با توجه به ابهامات و شبهات جدی که برای جمع‌گیری از نمایندگان مجلس، جامعه و گروه‌های سیاسی مطرح شده، به استناد ماده ۱۶۵ آیین‌نامه داخلی مجلس که تشکیل جلسه فوق‌العاده را به امضای ۵۰ نماینده موکول کرده است، نامه‌ای تهیه شده و در حال جمع‌آوری امضا برای رسیدن به حد نصاب قانونی آن هستیم.

کتکور سراسری برگزار شد

پنجشنبه و جمعه ۱۱ و ۱۲ تیر روزهای سرنوشته‌ساز برای ۶۵۴ هزار و ۸۶۰ نفر از جوانان کشورمان بود. در این دو روز مرحله‌ی دوم آزمون برای داوطلبان نظام قدیم و آزمون یک مرحله‌ی نظام جدید برگزار شد.

داوطلبان نظام قدیم شامل ۸۹۹۶۰ نفر در گروه ریاضی و فنی، ۸۹۲۲۰ نفر در گروه علوم تجربی، ۱۰۸۶۳۲ نفر در گروه علوم انسانی و ۲۴۷۴۵ نفر در گروه هنر و داوطلبان نظام جدید شامل ۸۷۵۱۲ نفر در گروه علوم ریاضی و فنی، ۱۴۲۴۵۱ نفر در گروه علوم تجربی، ۷۷۷۶۲ نفر در گروه علوم انسانی و ۲۹۲۷۶ نفر در گروه هنر بودند.

جلسه «جامعه اسلامی مهندسين»

حسن غفوری فرد، مرتضی نبوی و ولایتی در همایش دوسالانه «جامعه اسلامی مهندسين»، مواضع سیاسی این گروه را تشریح کردند. غفوری فرد دبیر این گروه گفت: مشاقت و مهلت دادن به گروه‌ها، لیبرال‌ها، مخالفین و معاندین جمهوری اسلامی جز غفلت از آرمان‌های امام راحل و انقلاب اسلامی، پی‌آمد دیگری نداشته و ندارد.
مرتضی‌نبوی مدیر مسئول روزنامه رسالت نیز گفت: احزاب دارای مضراتی هستند که تضعیف همبستگی ملی، ایجاد انحصار و محدودیت در امور سیاسی و اجتماعی و مشارکت مردم و افراط در سیاسی‌نگری به مسائل و منافات با آزادی فردی، از جمله آنها هستند.

زیان مالی مصرف مواد مخدر

مدیرکل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر گفت: ضرر و زیان ناشی از مصرف مواد مخدر در ایران، امسال به ۷۰۰ میلیارد تومان خواهد رسید که این رقم تنها در برگزیده عوارض جانبی مصرف مواد مخدر است.

وی در عین حال اظهار داشت که ایران برای ترانزیت تولیدات مواد مخدر پاکستان و افغانستان که در حدود ۴۵۰۰ تن است، ارزان‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر است.

جیره بندی آب آشامیدنی در اراک

مصطفی نظری مدیر روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی گفت به دلیل افزایش مصرف، آب آشامیدنی در اراک جیره‌بندی شد. وی کاهش برداشت از چاه‌های منطقه سنجان، گرمای هوا را از علل دیگر جیره‌بندی آب در اراک اعلام کرد.
بر اساس پیش‌بینی انجام شده، آب تقاطع مختلف اراک براساس جدول معین، سه تا چهار ساعت در روز قطع می‌شود.

میزان شهریه نام‌نویسی در مدارس

عسکری از مسئولین وزارت آموزش و پرورش در زمینه شرایط ثبت نام در مدارس غیرانتفاعی گفت: شهریه مدارس ابتدایی در شهر تهران تا یک میلیون ریال و در شهرستان‌های کشور شصت هزار ریال در مدارس راهنمایی شهر تهران تا یک میلیون و در شهرستان‌ها و در شهرستان‌ها تا شش صد و شصت هزار ریال و در مقطع متوسطه در تهران تا یک میلیون و پانصد هزار ریال و در شهرستان‌ها تا هشت صد و هشتاد هزار ریال است.

بابت کلاس‌های فوق برنامه برای ابتدایی نیز تا صد و شصت هزار ریال، راهنمایی در صد و بیست هزار ریال و متوسطه سیصد و سی هزار ریال تعیین شده است و مدارس نمونه مردمی سابق به هنگام ثبت نام دانش‌آموزان می‌توانند در مقطع ابتدایی بابت هر درس فوق برنامه مبلغ ده هزار ریال، مقطع راهنمایی پانزده هزار ریال و در مقطع متوسطه برای هر درس فوق برنامه بیست هزار ریال دریافت کنند.

محروریت درماني مردم خرم‌دَره

بیست و سه سال از آغاز عملیات ساختن تنها بیمارستان شهرستان خرم‌دَره می‌گذرد، اما مردم این شهرستان مانند بسیاری از شهرهای دیگر ایران کم‌اگان از داشتن بیمارستان محروم می‌باشند و این بیمارستان هنوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده و به این ترتیب ضریب تخت بیمارستانی در این شهرستان ۵۲ هزار نفری صفر است. مردم این شهرستان ناگزیر بیماران خود را برای معالجه به شهرهای دیگر می‌برند.

صادق زیبا کلام:

پایان زمان سیاست آشتی جویانه خاتمی فرا رسیده است

کشور پرداخت. صادق زیبا کلام در این زمینه گفت: «اکنون زمان آن رسیده است که رئیس جمهور در موضع خود در قبال مخالفان تجدیدنظر کنند، زیرا سیاست آشتی‌جویانه او، کارگر نیتاده است و دارد، مورد حمله قرار دهد.» □

بی.بی.سی رادیو دولتی انگلیس در یک میزگرد تلفنی با سعید لیلان، صادق زیباکلام و مسعود بهنود که از آن‌ها به عنوان کارشناس یاد کرد، به بررسی وظیفه رئیس جمهور پس از آشتی‌جویانه او، کارگر نیتاده است و دارد، مورد حمله قرار دهد.» □

مورگان خیابانی در ایران!

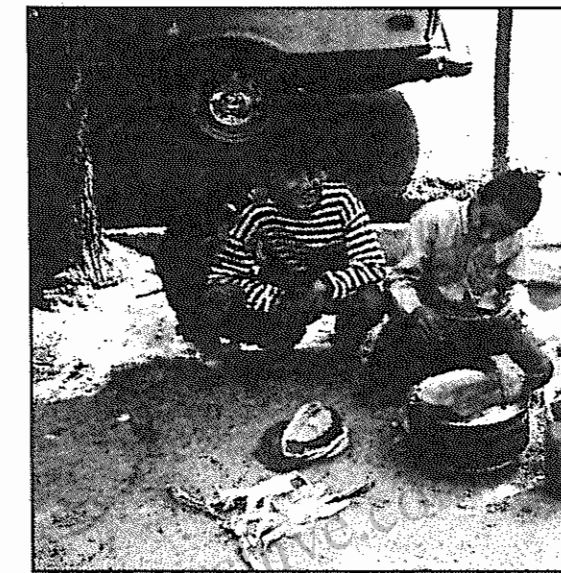
در شهرهای بزرگ کشور گروه‌های نسبتاً ناشناخته‌ای از کودکان شکل می‌گیرند. این گروه از کودکان، کودکان خیابانی خوانده می‌شوند، کودکانی که عمده وقت خود را بدون سرپرستی بزرگسالان در خیابان‌ها تلف می‌کنند. نتیجه ناخوشایندی از فقر و تنگدستی!

اخیراً در تهران گروه‌هایی «در جستجوی آینده بچه‌های خیابانی» برگزار شد. صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، نیز در همین زمینه نتیجه تحقیقاتی را منتشر کرده است که به مساله کودکان خیابانی در تهران اختصاص دارد. این گزارش در برخی روزنامه‌های ایران به چاپ رسیده است و در این جا خلاصه‌ای از آن را می‌خوانید:

بنا بر یک ۷ ساله است، می‌گوید من اسباب‌بازی دوست ندارم. دوست دارم فوتبال بازی کنم، اما وقتی که کارم را در اینجا تمام کرده باشم، من تنها پسر خانواده هستم و پنج خواهر دارم. یکی از خواهرهایم ازدواج کرده ولی شوهر خواهرم او را در کابل گذاشت و حدود یک سال پیش با ما به اینجا آمد. من خیلی دلم برای خواهرم می‌سوزه و نمی‌دانم کی می‌توانم دوباره او را ببینم. پس‌دروم سنگتراش است و خواهرهایم در خانه هستند. ما با خانواده عمویم در یک خانه سه اتاقه زندگی می‌کنیم. هر روز صبح ساعت ۹ با پسر عمویم به تجریش می‌آیم و تا ساعت ۶ عصر شکلات می‌فروشم. حدوداً روزی هزار تومان در می‌آورم. بعد از آنکه به خانه برمی‌گردم، دو ساعت به مدرسه‌مان می‌روم. من در افغانستان درس می‌خواندم. واقعا دلم می‌خواهد در یک مدرسه درست و حسابی با ساختمان خوب، کتاب و معلم‌های خوب درس بخوانم، ولی چطور می‌توانم؟ من شناسنامه ندارم و هیچ مدرسه‌ای مرا قبول نمی‌کند. امروز سالم خوب نیستم. نمی‌توانم غذا بخورم چون هر وقت سعی می‌کنم غذا بخورم دندانم درد می‌گیرد. امیدوارم زود خوب بشود. اگر سالم خوب نباشد نمی‌توانم خوب کار کنم و نمی‌توانم پول کافی در بیاورم. دلم می‌خواهد آنقدر پول در بیاورم که بتوانم یک خانه و یک ماشین بخرم. من عاشق ماشین و عاشق فوتبال هستم. دلم می‌خواهد غذای خوب، لباس و یک ماشین داشته باشم... یک بار پلیس مرا دستگیر کرد. آنها پول و شکلات‌هایم را گرفتند اما ولم کردند. آنها مرا تک‌نزدند. شاید به دلیل اینکه کوچک هستم.

خطر تسبیحکاران بزرگسال و سازمان‌یافته‌ای هستند که از آنان برای جیب‌بری، دزدی و فروش مواد مخدر استفاده می‌کنند و یا برای رسیدن به هدفهای پلیدشان آنان را مورد سوء استفاده بدنی و جنسی قرار می‌دهند. این کودکان معمولاً به علت محرومیت از غذای مناسب دچار سوء تغذیه بوده و در نتیجه محروم بودن از امکانات پزشکی و آموزش‌های بهداشتی از بیماری‌های پوستی و گوارشی رنج می‌برند و به طور کلی سالم نیستند. گروهی از کودکان خیابانی، کودکانی هستند که از خانه فرار کرده‌اند. آنان به دلیل سوء استفاده‌های بدنی و روانی پدر و یا ناپدری و نامادری از خانه فرار کرده‌اند و فرار آنان پیامد طلاق، مرگ، ترک خانواده و یا ازدواج مجدد یکی از والدین است. این کودکان با خانواده خود ارتباطی ندارند و در نتیجه خانهای هم ندارند که پس از کار به آن پناه ببرند و اغلب در مساجد، اتوبوس‌های پارک‌شده و حتی کانال‌های تهویه اداره‌ها و قنادی‌ها می‌خوابند. در زمستان بچه‌های کمتری در خیابان‌ها دیده می‌شوند. تعداد بسیاری از آنها به مناطق گرم‌تر مانند بندرعباس سفر می‌کنند. به هر حال در تابستان اغلب دیده می‌شود که بچه‌ها در پارک‌ها و زیر پلها می‌خوابند. این دسته از کودکان برای تسبیحکاران بزرگسال لقمه‌های آماده‌ای هستند و خیلی زود به وسیله آنان با دنیای تسبیحکاری آشنا می‌شوند. کودکانی که به دست این تسبیحکاران می‌افتند، در طی دوره کارآموزی، چنان مورد سوء استفاده بدنی و جنسی قرار می‌گیرند که چشم‌انداز زندگی آینده آنان شکل نگرفته‌کور می‌شود. آن‌ها خیلی زود

پنج سال ندارند. این کودکان با خطرات گوناگون و گناه ناشناخته‌ای مواجهند؛ از تصادف با اتومبیل و اشتقاق دودهای مسموم‌کننده گرفته تا خشم و غضب رانندگان و مسافران شهری و همچنین دستگیر شدن توسط ساموران به جرم پرسه‌زدن در خیابان‌ها و سدمعبر. این بچه‌ها همچنین در معرض روش‌های تسبیحکاری را فرا می‌گیرند و به تدریج تمایل می‌یابند که به کارهای ضداجتماعی جسورانه‌تری؛ از جیب‌بری و ماشین دزدی تا سرقت از منازل؛ دست زنند. تسبیحکاران حرفه‌ای از تعدادی از این کودکان نگهداری می‌کنند و در نتیجه، حضور آنان در دنیای تسبیحکاری سازمان یافته، کم و



بیش تثبیت می‌شود و تداوم می‌یابد. هر چند تمامی کودکان خیابانی زندگی بسیار سختی پیش روی دارند، اما فوت و فن تنازع بقا را خیلی زود فرا می‌گیرند و به نظر می‌رسد که به آینده خوش بینند. هر چند که کودکی آنها زیر فشار امرار معاش و نگهداری از افراد خانواده مدفون شده و مجالی برای دنبال کردن تحصیلات و یا حتی بازی‌های کودکانه ندارند، اما حتی برخی از آنان آرزو دارند در آینده معلم، دکتر، مغازه‌دار و یا تاجر شوند. در مواردی که کودکان با خانواده خود زندگی می‌کنند، کارفرما همان پدر خانواده است که فرزندان خود را به زور سرکار می‌فرستد تا درآمد خانواده تقویت شود. در موارد خاصی بچه‌ها برای یک صاحب‌کار کار می‌کنند. صاحب کار، بزرگسالی است که یک گروه از کودکان را نگهداری می‌کنند. از دستگیری آنها جلوگیری می‌کند و اجناسی را که کودکان باید بفروشند در اختیار آنها می‌گذارد. این صاحب کار مقدار فروش و درآمد روزانه کودکان را معین می‌کند و در پایان هر روز، بچه‌ها نخواست باید درصد معینی از درآمدها را به صاحب‌کار بدهند و آنگاه می‌توانند بقیه آن را برای خود و خانواده‌شان نگهدارند. به این ترتیب کودکان خیابانی از کلیه حقوق بقا، رشد، امنیت اجتماعی، مراقبت‌های بهداشتی، حفاظت در برابر سوء استفاده‌های جسمی و روحی و محیط خانوادگی سالم، محرومند و در نتیجه گروه بسیار آسیب‌پذیری را تشکیل می‌دهند که محتاج توجه و رسیدگی فوری است.

تعداد و محل زندگی

کودکان خیابانی تاکنون به طور رسمی سرشماری نشده‌اند و

روستاها و شهرهای دیگر مانند تبریز، مشهد، اردبیل، بوم‌هن، مشکین شهر و سبزوار به تهران مهاجرت کرده‌اند و حدود ۳۶ درصد، مهاجران افغانی هستند که پس از جنگ به ایران پناهنده شده‌اند. این خانواده‌ها در منطقه ورامین در جنوب تهران، میدان شوش و منطقه افسریه سکنی دارند. اکثر خانواده‌ها در یک اتاق اجاره‌ای که کلیه افراد خانواده را در خود جای می‌دهد سکونت دارند. این اتاقها معمولاً از امکانات آب و برق برخوردارند اما گاز و توالیت (مستقل) ندارند. بعضی از مهاجران افغانی که در کشور خود از رفاه نسبی برخوردار بوده‌اند، در محل سکونت خود تلویزیون هم دارند. خانواده‌ها و حتی گروه‌هایی از کودکان نیز هستند که در خرابه‌ها و ساختمان‌های متروکه زندگی می‌کنند. در میان مهاجران، افغانی‌ها گروه بسیار پست‌های هستند. آنها به دلیل ناآشنایی به زبان فارسی و همچنین ترس از دستگیری و اخراج از کشور، از مصاحبه اجتناب می‌کنند. این گروه از کودکان معمولاً تحت سرپرستی یکی از اعضای بزرگسال جماعت خود قرار دارند. همچنین از آنجایی که اکثر پناهندگان افغانی کارت شناسایی ندارند، فرزندان آنها از امکانات اولیه آموزش و مراقبت‌های بهداشتی محرومند. اعضای این خانواده‌ها در نظر شغلی آینده‌ای ندارند. خانواده‌های ایرانی شناسنامه دارند و بعضی از فرزندان کوچکتر آنها به مدرسه می‌روند اما به دلیل محدودیت‌های اقتصادی، بسیاری از فرزندان بزرگتر مجبورند ترک تحصیل کنند و مسئولیت خانواده را به دوش گیرند. یک گروه تقریباً هزار نفری هم در نزدیکی میدان شوش زندگی می‌کنند که ظاهراً کولی بوده و در خانه‌های متروکه سکنی دارند. سایر ساکنین این منطقه از این گروه بیزارند، چون آنها را مشکوک به ترویج فحشاء و مواد مخدر می‌دانند.

مصاحبه با بچه‌هایی که از خانه خود فرار کرده‌اند نشان می‌دهد که فرار این کودکان اغلب به دلیل سوء استفاده‌ها و آزارهای جسمی و روحی پدرانشان، پس از مرگ مادر و ازدواج مجدد پدر بوده است و در برخی از موارد یکی از والدین خانواده را ترک گفته و باعث بروز محیطی ناسالم در خانواده شده است و در بعضی دیگر، پدر در حادثه و یا زلزله کشته شده و برخورد بین خواهران و برادران منجر به فرار کودکان شده است.

سن و جنسیت:

۹۵ درصد از کودکان خیابانی از جنس مذکر هستند. مشاهدات نشان می‌دهند که معمولاً دختران به تنهایی در خیابانها دیده نمی‌شوند به طور سنتی دختران اغلب در خانه می‌مانند و به امر مربوط به خانه می‌پردازند. سن کودکان خیابانی بین ۱۸ تا ۱۸ سال است. کار کودکان در خیابان‌ها غالباً به‌خود آنها واگذار می‌شود و ظاهراً بزرگسالی بر آنها نظارت ندارد. در مواردی به نظر می‌رسد که برخی از این کودکان می‌ترسند و پیش از آنکه بتوانند آزادانه صحبت کنند لازم است که از بزرگسالان اجازه بگیرند. ظاهراً این بزرگسالان (صاحبکارها یا مراقبین) هر چند که هیچگاه به چشم نمی‌آیند، به گروه کودکان خود کاملاً تسلط دارند. برخی از این کودکان اظهار داشتند که یک بزرگسال هر روز صبح آنها را به سرکار می‌آورد و در آخر روز به خانه برمی‌گرداند. تقریباً ۵۵ درصد این کودکان شناسنامه دارند. □

خبرهای علمی

ذرات نوترینو جرم دارند

تا به حال نوترینوها جزو ذرات بنیادی بدون جرم و پا با جرم غیرقابل اندازه‌گیری در نظر گرفته می‌شدند. اخیراً یک تیم بین‌المللی ۱۲۰ نفره از دانشمندان در کنفرانس نوترینو ۹۸ اعلام کرد که توانسته است با یک آزمایش ۱۵۵ میلیون دلاری ثابت کند که نوترینوها جرم دارند. پژوهشگران یک مخزن آب خالص به حجم ۵۰۰۰۰ تن را به ۱۳ هزار تشدیدکننده نوری مجهز کرده و توانسته‌اند تشعشع ضعیفی را هنگام عبور نوترینوها از زمین و سپس از مخزن آب به ثبت برسانند. این تشعشع نشان دهنده پدیده موسوم به نوسان است که در آن نوترینوها از یک نوع به نوع دیگر تبدیل شده‌اند. پدیده نوسان تنها در مورد ذرات جرم‌دار اتفاق می‌افتد. اثبات جرم‌دار بودن نوترینو به علت وقوع آن در کپکشان‌ها می‌تواند تئوری شکل‌گیری کپکشان‌ها را متحول کند. دانشمندان مدت‌ها بود که به دنبال علت اختلاف بین جرم مشاهده شده و جرم محاسبه شده در کپکشان‌ها بودند. آنها این اختلاف را به «ماده تیره» نسبت داده بودند. لاورنس سولاک رئیس تیم تحقیقاتی اعلام کرد که مسأله منشأ ماده تیره یک معضل اساسی در فیزیک بوده است. آرت مک‌دانلد از رصدخانهی نوترینوی سادبری در کانادا می‌گوید حتا در صورتی که جرم این نوترینوها بسیار کوچک باشد به علت تعداد بسیار زیادشان، می‌توانند در گسترش جهان تأثیر به‌سزایی داشته باشند؛ به این ترتیب که تأثیر آنها می‌تواند باعث بسط جهان تا ابد و یا انقباض آن به داخل خودش شود. دانشمندان حدس می‌زنند که جرم یک نوترینو یک میلیاردم جرم الکترون باشد.

آخرین آمار بیماری ایدز

آخرین آمار ارائه‌شده در مورد بیماری ایدز نشان می‌دهد که در حال حاضر روزانه ۷ هزار جوان ۱۰ تا ۲۴ ساله (سالانه معادل ۲/۶ میلیون نفر) در جهان به بیماری ایدز آلوده می‌شوند. از این تعداد ۷۰۰ هزار نفر در آسیا و اقیانوس آرام و ۱/۷ میلیون نفر در آفریقا مبتلا می‌شوند. آمار نشان می‌دهد که اکنون زمینه‌ی ابتلای دختران جوان نیز بیشتر شده است. شیوع این بیماری در اروپای شرقی نیز افزایش چشمگیری یافته است. تا اواسط سال‌های ۹۰ میزان بروز ایدز در این کشورها بسیار پایین بود، اما در سال‌های اخیر با شیوع مصرف مواد مخدر و باز شدن مرزها و عدم آموزش کافی و پیشگیری‌های لازم، میزان ابتلاء به این بیماری در کشورهای اروپای شرقی ۶ برابر شده است و به‌ویژه شهر مسکو با بالاترین میزان بروز بیماری مواجه است.

تحلیل قدرت بویایی در روند تکامل

می‌دانیم که قدرت بویایی انسان بطور کلی از حیوانات کمتر است. اما تحقیقات نشان داده است که در ابتدا انسان از حس بویایی قویتری برخوردار بوده است. هر سلول انسانی حدود هزار ژن مربوط به بویایی دارد که ۷۰٪ آنان غیرفعال هستند. مطابق فرضیه‌های موجود این ژن‌ها در طول سالیان دراز تکامل انسان در اثر جهش ژنی (موتاسیون) غیرفعال شده‌اند. در حال حاضر تلاش پژوهشگران این رشته معطوف به این است که بفهمند آیا این جهش ناگهانی بوده است یا به تدریج صورت گرفته است.

ادویه از عفونت پیش‌گیری می‌کند

دو پژوهشگر آمریکایی با تحقیق بر مواد غذایی ۳۶ کشور به این نتیجه رسیدند که انتخاب غذاهای تند و پرادویه در کشورهای پرجمعیت آسیایی شیوه‌ی طبیعی برای جلوگیری از بیماری‌هاست. سیر و پیاز و فلفل و دیگر ادویه‌ها ۷۵٪ از انواع باکتری را از بین می‌برند و در نتیجه مقاومت افراد را در مقابل بیماری افزایش می‌دهند. این مواد در حقیقت آنتی‌بیوتیک‌های طبیعی هستند که مخلوط آنها در غذاها اثر آنها را تشدید می‌کند.

گوساله شبیه‌سازی شده درگذشت

مارگریت گوساله‌ی یک ماهدی فرانسوی که از طریق تولیدمثل غیرجنسی (Clone) به‌وجود آمده بود، در اثر یک بیماری ساده حیوانی درگذشت. پزشکان و زیست‌شناسان امیدوارند با کنترل گوساله‌ی دیگری که چند روز بعد از مارگریت به‌دنیا آمده است بفهمند که آیا مرگ مارگریت ربطی به شیوه‌ی تولید او دارد یا خیر؟

ویاگرا، جنجالی‌ترین داروی دنیا

Viagra آخرین دست‌آورد جنجال‌برانگیز دارویی آمریکاست. این قرص در اصل برای معالجه‌ی بیماری‌هایی مجاری ادرار به‌کار برده می‌شود. اما آنچه اخیراً باعث استقبال شدید از این دارو شده است، نه مصرف شناخته‌شده‌ی اولیه بلکه اثر درمانی دیگر آن در رفع ناتوانی جنسی مردان است. استفاده از Viagra در اروپا هنوز مورد تأیید مقامات بهداشتی قرار نگرفته اما دستیابی به آن از طریق شبکه‌ی اینترنت و بازار قاچاق غیرممکن نیست. مصرف این دارو در مدتی کوتاه در آمریکا به‌سرعت افزایش یافته است و بازار آن چنان گرم است که حتا کلیسای انگلستان نیز اقدام به سرمایه‌گذاری برای تولید آن کرده است. ولی مرگ مشکوک ۶ تن از مصرف‌کنندگان این دارو در فاصله‌ی دو ماه پس از مصرف، سؤال‌های تازه‌ی را ایجاد کرده و نگرانی‌هایی را برانگیخته است، تاحدی که شرکت تولیدکننده‌ی آن نسبت به مصرف و تجویز بی‌رویه Viagra هشدار داده است.

دریچه سینمای ایران همچنان بسته مانده است



تسهیه کرد. قوانین سرمایه در مورد فیلم نقش اساسی ایفا می‌کند. معمولاً اگر فیلمی در کشور درست کند و با موانعی روبرو باشد و مجبور به خارج رفتن و تهیه فیلمش در خارج از کشور بشود، نساموفق می‌ماند. کما اینکه بهرام بیضایی سعی کرد فیلمی در خارج بسازد ولی در نهایت نتوانست و به ایران بازگشت.

● پس از اهدای جایزه نخل طلائی

در فستیوال کن به عباس کیارستمی بخاطر فیلم «طعم گیلاس» یحش و جدل‌های زیادی بر سر این موضوع درگرفت. الان که یک سال از این رویداد گذشته و کمی خونسردتر می‌توان با این قضیه برخورد کرد، ارزیابی شما از برخوردها و تفاوت نظرها با موضوع شما در این باره چیست؟

○ مسئله حضور فیلم طعم گیلاس در کن در ابتدا شک برانگیز بود. من وقتی به دخالت و کوشش آقای ولایتی و هستای فرانسوی‌اش برای حضور این فیلم توجه کردم و بعد دیدم که چگونه جشنواره کن تمام ضوابط و مقرراتش را زیر پا گذاشت تا فیلم را به مسابقه وارد کند، کنجکاویم افزایش یافت. اتفاقاً نشریه شما از معدود نشریاتی بود که به ارتباط نمایش این فیلم در کن و ماجرای میکونوس به درستی اشاره کرد. با اینکه من در مصاحبه‌هایی که پیرامون این رویداد داشتم و مقالاتی که در همین ارتباط نوشتم، اعتراضم به مقامات جمهوری اسلامی و فرانسوی و مسئولین کن بخصوص پیر ریسان مشاور عالی و مخلوع کن، بوده است با نهایت تأسف و ناباوری کسانی که خودشان را اپوزیسیون رژیم می‌دانستند در مقام جویبگویی به من برآمدند و من بی آنکه این دخالت‌ها را شایسته جواب بدانم هر روز دلایل و مدارک مستندتری را فراهم آوردم. در حقیقت یک جنگ نابرابر درگرفت که یک

باشد می‌شود آن را توقیف کرد. چه کسی و در کجای دنیا فیلمی را به خاطر تکنیک نازلش توقیف می‌کند؟ می‌گویند: صدای ناهنجار در فیلم‌ها سبب توقیف آن می‌شود. صدای ناهنجار چیست؟ صدای هنجار چیست؟ این ضوابط از چه مغزی تراش کرده است؟ با این آئین‌نامه‌ها آقایان خاتمی و مهاجرانی می‌خواهند در سینمای ایران تحول ایجاد کنند؟

● عکس العمل خانواده سینما در ایران در برابر این آئین‌نامه چه بود؟

○ تاکنون سکوت کرده‌اند. چیزی نمی‌گویند. اما ما که در اپوزیسیون هستیم نمی‌توانیم خودمان را با شرایط داخل تطبیق دهیم ما بایستی بالاترین حد ممکن در دنیای امروز را طلب کنیم. ما سانسور و اداره سانسور را اساساً قبول نداریم. فیلمساز داخل ایران می‌خواهد از میان این مجراها اما راهی پیدا کند. ولی وضعیت چنان بسته است که یکی از فیلمسازان بنام ایران که از مخالفین رژیم نیز هست، در یک گفتگو با من گفت: رژیم قبلاً آنچنان عرصه را بر ما تنگ کرده بود که اگر فقط کمی محترم ما با ما رفتار کنند نیز می‌توانند تا حدی رضایت ما را جلب کنند. آنقدر فشار استبداد زیاد است، آنقدر در جبهه‌ها را بسته‌اند که هر حدانگلی در ایران جلب رضایت می‌کند. اما ما در خارج نباید به این سادگی راضی شویم. ما می‌گوییم به چه دلیلی نظارت. شما می‌گویید مردم حماسه آفرینند. ۲۰ میلیون نفر بدون هیچ حزب و سازمان سیاسی تشخیص دادند چه می‌خواهند این آدمها دیگر وزارت ارشاد نمی‌خواهند. باید به اقدامات وزارت ارشاد در امور سینما

تیر اشاره کنیم. دولت به جای این که قیمت بلیط سینماها را کنترل کند قیمت‌ها را افزایش داده است. صاحبان سینما اعتراض کرده‌اند و گفتند مردم توانایی این را ندارند و شما با افزایش قیمت بلیط‌ها وضع ما را بدتر می‌کنید. مدیران سینما می‌گویند: دولت به زور این را به ما تحمیل کرد. دولت به جای این که در تعدیل قیمت‌ها بکوشد، علیرغم میل صاحبان سینماها اقدام به گران کردن قیمت بلیط سینماها کرده است. آنان می‌گویند ما می‌خواهیم تغییر شغل بدهیم و دولت و همین آقای داد به آنها اجازه نمی‌دهند. حتی در دوره فاشیسم گویلز مانع تغییر شغل سینماداران نبود. در مورد خروج فیلم از کشور در آئین‌نامه چنین آمده است: هر فیلمی که بخواهد به هر شکل و به هر منظوری فروش، اجاره، فستیوال، علاوه بر پروانه نمایش که برای داخل صادر می‌شود برای خارج نیز پروانه‌ای جداگانه بگیرد. خروج فیلم از مملکت بر همان روال سابق است. در ید قدرت دولت است. حرفی که ما می‌زنیم و از آن برداشت غلط می‌کنند. من نمی‌گویم که فیلم‌ها نباید به خارج کشور بیایند. من می‌گویم هر فیلمساز و تهیه‌کننده فیلم باید مستقلاً و آزادانه اجازه داشته باشد فیلمش را به خارج بفرستد. وقتی قرار شد فیلم‌ها پروانه مخصوص برای خروج داشته باشند وضعی پیش می‌آید که ما در سالهای اخیر شاهدش بودیم. فیلم‌هایی به خارج می‌آیند که برای رژیم استفاده تبلیغاتی داشته باشند. ما از حق فیلمسازان و تهیه‌کنندگانی دفاع می‌کنیم که فیلمشان به دلایل مختلفی اجازه خروج نمی‌گیرند.

● واقعیت این است که در عرصه کتاب بسیاری از کتابهایی که سابقاً اجازه چاپ نداشتند در سال اخیر منتشر شده‌اند و در عرصه نشریات نیز ایران سال‌ها پرباری را پشت سر گذاشت. ولی چرا در مورد فیلم محدودیت‌ها همچنان باقی مانده‌اند؟

○ واقعیت این است که برد تبلیغاتی سینما بعدی فراتر از عرصه‌های دیگر است. همه حکومت‌ها بر این مسئله واقفند. برای گویلز خروج کتاب مهم‌تر بود یا فیلم؟ مسئله فیلم در نازیمس مهمترین مسئله فرهنگی بود و مسائل ساختن فیلم و خروج آن مشابهت عجیبی با مقررات جمهوری اسلامی دارد. قدرت دولت برای کنترل کتاب با فیلم قابل مقایسه نیست. ببینید، اگر یک کتاب را در ایران چاپ نکنند به راحتی می‌توان آن را در خارج از کشور به چاپ رساند. ولی فیلم را نمی‌شود در خارج از کشور

است. بسینیم «نگین» وزارتخانه‌ها چه آئین‌نامه‌ای صادر کرده است. این آئین‌نامه می‌تواند به ما بگوید اصلاً در وضعیت سینما در ایران چه تغییری کرده است. مثلاً در آئین‌نامه آورده‌اند «کمک به نفوذ فرهنگی یا سیاسی یا اقتصادی بیگانگان که مغایر با سیاست «نه شرقی، نه غربی» جمهوری اسلامی باشد، ممنوع است». فیلمنامه‌نویس باید این سیاست سیاست مبهم «نه شرقی، نه غربی» را چگونه رعایت کند و در ضمن این چه تفاوتی با گذشته دارد یا این که در ماده دیگر: اهانت مستقیم یا غیر مستقیم به پیامبران الهی، ائمه معصومین علیه السلام، مقام رهبری (ولی فقیه) یا شورای رهبری و مجتهدان جامع الشرایط، ممنوع شده است. اهانت غیر مستقیم چیست؟ شما هر چیزی را می‌توانید بگویید که این اهانت به این‌هاست. قشر مجتهد و جامع‌الشرایط در ایران هر روز فرق می‌کند یک روز منتظری و آذری قمی‌اند، روز دیگر افرادی دیگر. فیلمنامه‌نویس بیچاره چگونه باید فیلمنامه‌ای بنویسد که غیر مستقیم به این آدمها توهین نکند. و اساساً چه سرمایه‌گذاری حاضر است در این وانفسا برای تهیه فیلم سرمایه‌گذاری بکند. در آئین‌نامه قبلی آمده بودند حد و مرزی تعیین کرده بودند. مثلاً گفته بودند: حجاب زن چگونه باید باشد. چون آن موارد خیلی برخورنده بود در این آئین‌نامه این موارد حذف شده‌اند. اما آن وقت وضع تهیه‌کننده روشتن بود، چون آئین‌نامه جدید می‌گوید: هیئت نظارت موظف است ضوابط نحوه حضور زن را به طوری که با کرامت انسانی زن مغایرت نداشته باشد و با توجه به ضوابط شرعی در کلیه فیلم‌ها اعم از ایرانی و خارجی تعیین و در اختیار سازندگان داخلی و خارجی قرار بدهد. در این میان کرامت زن را چه کسی تعیین می‌کند؟ در سابق تهیه‌کننده ضوابطی داشت و با آن ضوابط خود را تطبیق می‌داد. اما الان اگر فیلمی ساخت و ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان بودجه برای تهیه فیلم خرج کرد و بعد از آن آمدند و گفتند این فیلم شما به کرامت انسانی زن توهین کرده است، هماهنگ با کرامت زن نیست، چه منماینی خواهد داشت. این بندهای مورد اشاره و هر کسی به هر گونه که میل داشت می‌تواند تفسیر و تعبیر کند. آقای داد می‌رود و آقای بیداد می‌آید و یک جور دیگری تفسیر می‌کند. وقتی که سانسور باشد وقتی که ارشاد باشد وقتی که برای مردم قیم تعیین می‌کنند آن هم با چنین آئین‌نامه‌هایی وضع همین است که هست. اصولاً ما به همین خاطر هم می‌گوییم که سانسور یعنی چه؟ وزارت ارشاد چرا؟ اگر خواست‌ها را محدود کردیم ضوابط مطرح می‌شوند و آخراً مرز چنین نامه‌هایی صادر می‌شود. موارد دیگری که در این آئین‌نامه حتماً باید اشاره کرد چنین‌اند مثلاً نوشته‌اند: بیان حقایق تاریخی و جغرافیایی به نحوی که موجب گمراهی... شود، ممنوع است. خوب وقتی که وزارتخانه «نگین» بیان حقایق را ممنوع می‌کند دیگر تکلیف روشن است. این که چطور بیان حقایق سبب گمراهی می‌شود را کسی نمی‌داند. در دست‌یخت وزارت ارشاد که آقای رئیس جمهور به حتما دخالت داشته‌اند و پس از ماه‌ها مشورت با یکدیگر چنین آئین‌نامه‌هایی صادر می‌شود دیگر جای شکی برای تغییر و تحول نمی‌ماند. آن کسانی که از این‌ها حمایت می‌کنند باید پاسخگو باشند. من که از اول گفتم حکومت دینی نمی‌تواند باشد واپسگرائی و ادع کند. مورد دیگر: بیان و یا عنوان هرگونه مغالیه که مغایر منافع و مصالح کشور بوده و مورد سوءاستفاده بیگانگان قرار گیرد، ممنوع است. شما خودتان را به جای فیلمنامه‌نویس بگذارید. با این مشکلات چه خواهید کرد؟ هدف اصلی اینها این است که تهیه‌کنندگان مستقل که بسیار اندک هستند به تدریج از کارشان دلسرد شوند و از کارشان کناره‌گیرند و دولت خودش مستقیماً امور سینما را بیش از پیش به عهده گیرد. در مورد پروانه نمایش فیلم، آئین‌نامه می‌گوید: پروانه نمایش فیلم برای همه کشور معتبر است به استثنای نقاطی که در پروانه نمایش بیاید. یعنی اینکه فیلمی در تهران به نمایش گذاشته می‌شود ولی مثلاً همین فیلم در زاهدان ممنوع می‌شود. بر طبق اساننامه خودشان از این پس ما در ایران شاهد یک سانسور محلی (منطقه‌ای) نیز خواهیم بود. می‌گویند اگر فیلمی از نظر تکنیکی نازل

● کار: پس از به روی کار آمدن مهاجرانی در وزارت ارشاد و انتصاب سیف‌الله داد به سمت معاونت امور سینمایی در این وزارتخانه چه تحولاتی صورت گرفته است؟

○ بصیر نصیبی: اتفاقاً از زمانی که خاتمی کابینه‌اش را معرفی کرد به دو وزارتخانه خیلی اتکا کرد، یکی وزارت ارشاد و دیگری وزارت امور خارجه، بررسی کار وزارت امور خارجه را من به اهل سیاست واگذار می‌کنم. ولی در مورد وزارت ارشاد بویژه مسائل سینما می‌توان قضاوت کرد. اگر جملات زیبا و حرف‌های قشنگی را که می‌زنند مبنای قرار ندهیم و عملکرد آنها مبنای قضاوت باشد، به نتایج دیگری می‌رسیم. در ضمن از طریق تحولات ادعا شده در این وزارتخانه می‌توان کارنامه خاتمی را را راجع به مسائل دیگر نیز بررسی کرد. وقتی که وزارتخانه‌هایی که در اختیار وی هست چنین کارنامه‌ای دارند وای به حال وزارتخانه‌هایی که خاتمی اعتقاد دارد در دست جناح دیگر است.

● مگر کارنامه امور سینمایی در این وزارتخانه چه بوده است؟

○ بگذارید از این نقطه شروع بکنیم که چه کسی را مسئول امور سینما در ایران کرده‌اند. سیف‌الله داد. سابقه سینمایی سیف‌الله داد چیست؟ سیف‌الله داد در کار فیلمسازی آدم خلاق نبوده است. فیلمی هم اگر ساخته فیلم‌های تبلیغاتی برای رژیم بوده است. سیف‌الله داد در خانه سینما فعالیت داشت. خانه سینما تشکیلاتی است مانند سندیکای فیلم-آزان در رژیم گذشته. این نهاد در ارتباط مستقیم با دولت جمهوری اسلامی است. و در چند سال اخیر در وزارت ارشاد ضرغامی مسئول آن بود. سیف‌الله داد در خانه سینما هیچ حرکتی در مقابل سیاست‌های ضرغامی نداشت و وقتی هم که پست جدیدش را تحویل گرفت در اولین اقدام خود جلمه‌ای ترتیب داد و لوحه سپاسی به فرستجانی اهدا کرد. در حقیقت هیچکس بیرون از بافت رژیم وارد وزارت ارشاد نشد. اما به هر حال از زمانی که «داد» بر سر کار آمد یک سری امیدها در کسانی بوجود آمد. حتی از خانواده سینمایز کسانی امید بستند و از «داد» حمایت کردند. ولی وقتی دقیق‌تر بررسی کنیم آئین‌نامه جدید امور سینمایی را که قاعدتاً باید ماحصل تغییرات جدید باشد، متوجه می‌شویم که کسانی که از این تغییرات حمایت کردند. الان سکوت کرده‌اند، بعداً چه خواهند کرد را من نمی‌دانم.

● فضای غالب در جامعه روشنفکری و مردم به تغییرات فرهنگی یک سال اخیر به دیده مثبت می‌نگرد. آیا در عرصه سینما هم همین نگرش عمل می‌کند؟

○ اخیراً آئین‌نامه امور سینمایی از سوی وزارت ارشاد تعیین شده است. مواد آئین‌نامه جدید وزارت ارشاد در مطبوعات داخلی انتشار نیافت. البته راجع به آئین‌نامه اظهارنظرهایی صورت گرفته است و مجله فیلم این آئین‌نامه را منفی ارزیابی کرد. اما بندهای این آئین‌نامه را نقل نکردند برای اینکه اگر نقل می‌کردند خود بخود با ادعایشان در مورد تغییرات و تحولات در سینمای ایران در تضاد می‌افتاد. اول آقای «داد» آمد و گفت می‌خواهد سینما بسازد. آیا واقعا مشکل سینمای ایران کمیود سالن است؟ اگر این مشکل را جدی بدانیم، واقعا آنها در این عرصه چه کرده‌اند؟ هیچی. سالن‌های سینما در سراسر کشور همان وضعیت سابق را دارند. سالن سینمای آزادی را که دو سال پیش در قلب شهر تهران تخریب کردند و پس از آن که به مناقصه گذاشتند به همان وضع سابق باقی مانده است. در این دو سال حتی یک آجر روی آجر دیگری گذاشته نشده است. دوم گفتند می‌خواهند در ساختن سینمای ایران تغییر بنیادی ایجاد کنند. این تغییر ادعایی بنیادی با آئین‌نامه‌شان ناهماهنگ است. این آئین‌نامه‌ای که اکنون صادر کرده‌اند هیچ تفاوتی با وضعیت سابق ندارد و بعضی زمینه‌ها حتی پس رفته است. من فکر می‌کنم شخص رییس جمهور از این آئین‌نامه مطلع

سنتش من تنها و بی‌یار بودم با قلمی الکن و امکاناتی محدود، و جهت دیگرش یک گروه خشمگین با امکانات وسیع، خود من هم تصور نمی‌کردم به این سرعت ماجرای قلب در کن ۹۷ برملا شود. اما اخراج پیر ریسان مشاور عالی کن و سهامدار شرکت پخش فیلم «سی. سی. ب. دومیل» (پخش‌کننده فیلم طعم گیلاس) به دلیل صریح زد و بند با جمهوری اسلامی و بعد مصاحبه غافلگیرکننده مدیرعامل جدید بنیاد فارابی با نشریه «ارزش‌ها» که پیر ریسان را متقلب و مزور نامید، که تلاش داشته است برای فیلم‌های جمهوری اسلامی «نخل طلا» در کن را جور کند. و به دنبال آن این عنوان درشت در هفته‌نامه سینما و ویدئو - اعتبار و اهمیت نخل طلای ایران در برابر علامت سوال بزرگ - با چنین فاکت‌هایی به نظر من دیگر آخرین پرده نمایشنامه نخل طلا در کن نیز بسته شد. البته دلایل فاشگویی‌های مدیرعامل جدید به دلیل اینکه چرا رژیم به دست خود آبروی کاذب را از کف داد در اطلاعیه‌هایی که از این پس نیز منتشر می‌کنیم را مطرح خواهیم کرد. اما فقط نمی‌دانم آنان که با توسل به توهین و افترا می‌روستند ما را از فاشگویی باز دارند چه حال و روزی دارند؟

بخش‌هایی از «آئین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید و ویدئو و صدور پروانه‌ی نمایش» وزارت ارشاد اسلامی

نمایش هر گونه فیلم در سینماها و سالنهای عمومی و عرضه یا فروش آنها در بازار فروش که نهایتاً متضمن نکات مشروحه زیر باشد در سراسر کشور ممنوع است.

۱- نفی یا تحریف و یا مخدوش کردن اصل توحید و دیگر اصول مقدس اسلام و یا اهانت به هر شکل و طریق که باشد.

۲- نفی یا تحریف و یا مخدوش کردن فروع دین مقدس اسلام.

تبصره: تشخیص موارد مربوط به بندهای ۱ و ۲ با روحانی عضو هیئت نظارت می‌باشد.

۳- اهانت مستقیم یا غیر مستقیم به پیامبران الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام و مقام رهبری (ولی فقیه) یا شورای رهبری و مجتهدان جامع‌الشرایط.

۴- تنگ حرمت مقدسین و مقدسات اسلامی و سایر ادیان شناخته شده در قانون اساسی.

تبصره: هیات نظارت موظف است ضوابط نحوه حضور زن را به طوری که با کرامت انسانی زن مغایرت نداشته باشد، با توجه به ضوابط شرعی در کلیه فیلم‌ها اعم از ایرانی و خارجی تعیین و در اختیار سازندگان داخلی و واردکنندگان فیلمهای خارجی قرار دهد.

۹- کمک به نفوذ فرهنگی یا سیاسی یا اقتصادی بیگانگان که مغایر با سیاست نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی ایران است.

۱۰- بیان و یا عنوان هرگونه مغالیه که مغایر منافع و مصالح کشور بوده و مورد سوءاستفاده بیگانگان قرار گیرد.

۱۲- بیان حقایق تاریخی و جغرافیایی به نحوی که موجب گمراهی بیننده شود.

۱۳- نشان دادن تصاویر و اصوات ناهنجار اعم از آن که ناشی از نقص فنی یا غیر آن باشد به نحوی که سلامت تماشاگر را به خطر اندازد و تماشاگران را به انحطاط و ابتذال بکشد.

۱۴- نمایش فیلمهایی که از ارزش تکنیکی و یا هنری نازلی برخوردار بوده و یا ذوق و سلیقه و پسند تماشاگران را به انحطاط و ابتذال بکشد.

ماده ۴- معاونت سینمایی می‌تواند بنابه ضرورت‌های سیاسی و فرهنگی از نمایش فیلمی که دارای پروانه نمایش است جلوگیری‌گیری نموده و پس از رفع موانع (در صورت امکان) اجازه نمایش صادر بنماید.

ماده ۵- صدور فیلمهای ایرانی به کشورهای دیگر به منظور فروش یا اجاره و یا شرکت در فستیوال مستلزم صدور پروانه مخصوص می‌باشد

ماده ۱۳- فیلمهایی که جهت بازیابی و صدور پروانه نمایش برای نمایش در آمدن در سینماهای کشور به اداره کل نظارت و نمایش ارائه می‌شود مدت زمان نمایش آنها نباید از ۷۵ دقیقه کمتر باشد.

ماده ۱۵- پروانه نمایش فیلم برای تمام نقاط کشور معتبر خواهد بود به استثنای نقاطی که در پروانه نمایش قید می‌گردد.

پاسخ به نامه‌ها

آقای الف - ایلی همراه با مقاله تازه‌ای که برای «کار» ارسال داشتند، یادداشتی را نیز ضمیمه کرده‌اند که در آن آمده است: چندی پیش مقاله‌ای تحت عنوان «مسائل ملی، انحرافات، واقعیات» برایتان ارسال نمودم که تا به حال چاپ نشده است. مسایلی که در این مقاله اشاره شده از جمله محورهای جدی بحث و تفکر برخی جریانات ملی را عبارت می‌سازد. شاید این مسایل امروز در مقایسه با جریاناتی که در حال حاضر در کشور روی می‌دهد، از اهمیت کمتری برخوردار باشند، ولی عدم پرداخت جدی به این دست مسایل، می‌تواند در آینده به یکی از معضلات و مانع بزرگی در جنبش کشورمان تبدیل شود. با این که بارها اهمیت پرداخت به این مسایل را به سازمان طرح نموده‌ام، ولی متأسفانه کوچک‌ترین حرکتی در این راستا دیده نمی‌شود و همان طور که متوجه هستید، اکنون سال‌هاست که هیچ مطلبی در خصوص مساله ملی (غیر از چند مقاله من)، در کار چاپ نگردیده است و این سازمان با توجه به گذشته خود و به ویژه برای سازمانی که در یک کشور کثیرالسلله فعال است، به هیچ وجه نقطه مثبتی به شمار نمی‌آید. عدم درج هیچ گونه مطلبی در خصوص مساله ملی، از سوی دیگر ما را در دفاع از سیاست‌های ملی سازمان خلع سلاح می‌نماید و بسیاری از نیروهای وابسته به اقلیت‌های ملی کشور که اخیراً دوباره کمی فعال شده‌اند، با ابهامات موجود در سیاست ملی سازمان، عرصه فعالیت خویش را در ایجاد تشکلهای ملی برمی‌گزینند که نتیجه آن بدبینی بیشتر به سازمان‌های سیاسی و تقویت اندیشه‌های ناسیونالیستی و حتی شوونیستی در میان آنان است. در حالی که به نظر من سازمان به لحاظ موقعیت گذشته خود، می‌تواند و باید در عین پرداخت به روشن ساختن سیاست‌های ملی خود، مناسبات بسیار نزدیکی با این جریانات ملی برقرار نماید که مجموعه این‌ها بدون شک برای آینده کشور بسیار حائز اهمیت است.

دوست گرامی! چنان که می‌بینید این یادداشت را تقریباً کامل به چاپ رسانده‌ام تا این هشدار به جای شما را همه خوانندگان ما جدی بگیرند. «کار» متأسفانه در این زمینه خود امکانات محدودی دارد. اما همین امکانات محدود را هم می‌توان بهتر به کار گرفت و در این زمینه حق با شماست. به هشداری که شما در مورد جدی بودن مساله ملی در ایران چیزی اضافه نمی‌کنیم جز این نکته که در شورای مرکزی سازمان، بار دیگر کمیسیونی در این مورد تشکیل شده که امیدواریم از همکاری شما و سایر فعالین مساله ملی در ایران بی‌پهره نماند.

اما چند کلمه‌ای در باره مشکلات ما. همان گونه که در لیست مقالات دریافتی این شماره می‌بینید، و این تازه همه این مقالات نیست، صفحات بسیار محدود نشریه «کار» و صفحات بسیار محدودتری که در اختیار «دیدگاه‌ها» است، ما را همواره با این مشکل مواجه می‌سازد که نتوانیم مقالات ارسالی را به موقع و یا به صورت کامل به دست چاپ بسپاریم. سعی ما تاکنون این بوده است که به غیر از مقالاتی که به دلیل کیفیت خویش قابل چاپ نبوده‌اند، مقالاتی را که برای صفحات دیدگاه‌ها می‌رسند، منتشر کنیم، اما مشکل تاخیر در چاپ این مقالات را با امکانات فعلی نمی‌توانیم چاره کنیم و گاه مقالات حتی با چند ماه تاخیر به چاپ می‌رسند. البته اصلاً ادعا نمی‌کنیم که در همه موارد «نوبت» رعایت می‌شود. مسایلی نظیر حاد بودن موضوع، حجم مقالات، تعداد دفعاتی که از یک نویسنده مقاله‌ای به چاپ رسیده است و مسایل دیگر عواملی است که برای انتخاب مقالات در تنها دو صفحه دیدگاه‌ها عمل می‌کند. ما بارها اعلام کرده‌ایم و متأسفانه نویسندگان کمتر رعایت کرده‌اند که مقالات هر چه خلاصه‌تر باشد، امکان بیشتری برای ما فراهم می‌آورد.

امیدواریم تا زمانی که امکانات ما تا همین اندازه محدود و دست و پاگیر است، شما و سایر نویسندگان عزیز، با تاخیر در انتشار مقالاتتان با تفاهم و بردباری روبرو شوید و این باعث دلسرد شدن در ارسال مقالات نشود. پیروز باشید!

آقای دکتر م. ع. نوشته‌اند: برای تهیه پژوهش‌های دانشگاهی پیرامون سیاست و نقطه نظرات احزاب و سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی ایرانی پیرامون مساله کردستان، به مساعدت و همکاری شما احتیاج مبرمی دارم. خواهشمند است اگر برای شما امکان دارد، کپی بخشی از نشریات و متأسفانه نویسندگان کمتر رعایت کرده‌اند که مقالات هر چه خلاصه‌تر باشد، امکان بیشتری برای ما فراهم می‌آورد.

آقای دکتر ما بسیار علاقمندیم که در این زمینه می‌توانستیم کمکی برای پیشبرد تحقیقات شما انجام دهیم، اما این کار به صورتی که شما انتظار دارید، میسر نیست. سازمان ما تاکنون حجم عظیمی از مقالات و اعلامیه‌ها در مورد مساله کردستان، منتشر نموده است که متأسفانه این مقالات و اعلامیه‌ها در یک مجموعه گرد نیامده‌اند و در بیش از چند صد شماره نشریه «کار» و بولتن‌هایی که منتشر شده است، پراکنده‌اند. تنها کمکی که از دست ما برمی‌آید، ارسال دو جلد مصوبات کنگره‌های اول تا پنجم سازمان است که در آن نظرات سازمان در باره مساله ملی در ایران و از جمله در مورد مساله کردستان، بسیار به اختصار آمده است. امیدواریم سازمان ما و نشریه «کار» نیز از نتایج تحقیقات شما بهره‌مند شوند.

خانم ش. گ. آدرس، شماره تلفن و یا فاکس ناشر کتاب «مشروطه ایرانی و پیش زمینه‌های ولایت ققیه» متأسفانه در اختیار ما قرار ندارد.

نامه‌ها و مقالات رسیده:

- زمینه سازان کودتا
- ملیت‌ها و مساله شوونیسم در ایران
- چند مقاله
- موضوع اصلاح طلبان اسلامی و عاقبت ما
- سه مفهوم در باره آزادی
- مبارزه بین کار و سرمایه
- محمدعلی درخشش نیا
- الف - ایلی
- امید مقدم
- سعید توکلی
- ترجمه ب. کیوان
- ترجمه صادق کارگر

پاسخ چپ برای راه حل اقتصادی چیست؟

یک هم‌مین هوادار

دولت زاده دوم خرداد در سخن و عمل به سوی «جامعه مدنی» در تلاش و کوشش است. خاتمی آزادی مطبوعات، آزادی زنان، پرورش و بالندگی کودکان و جوانان ایرانی و آزادی احزاب را هدف گرفته است. آغاز چنین روندی را در پهنه و ژرفای ایران می‌توان دید، شیرینی آن را چشید و به استواری آینده آن در آن بروهت امید بست.

در زمینه عدالت اجتماعی اما وضع چهره دیگری دارد. حضور همزمان با هم تورم و هم رکود، که نشانه گرفتاری جامعه ما به بیماری‌های گوناگون است، از شما پوشیده نیست که از جمله حـصـاصـل: ۱. دزدی و سوآستفاده‌های میلیونی و میلیاردي و فساد عمیق اداری، ۲. سرمایه‌گذاری‌های دراز مدت بی‌حساب و ناکارآمدی همراه سوآستفاده‌های معمول «دوران سازندگی» که انبوه امکانات مالی کشور را هدر و از دسترس دولت تازه و مردم دور کرده است، ۳. هزینه‌های غیرتولیدی عظیم دولت شامل از جمله حجم

عظیم پرداخت‌هایش برای تامین زندگی بسخور و نسیر انبوه بازماندگان شهید، معلولین و اسیران جنگ بی‌ثمر و پول کلان سوسپیدهایی که سنگینی‌اش زانوی او را می‌لرزاند، ۴. دسترسی نداشتن دولت به بخش مهمی از اقتصاد قریه دلالی - تجاری و بنگاه‌های عظیمی چون کارتل‌های آستان قدس و بنیاد مستضعفان و... می‌باشد.

دولت نسآچار برای تسامین هزینه‌های جاری عظیم خود، دست به استقراض معمول بی‌باز پرداخت از بانک مرکزی - انتشار اسکناس تازه - زده و از این راه نیز یک لایه دیگر بر تورم موجود افزود. خاتمی و بیشتر نیروهای چپ درونی به راه‌حل سرمایه‌داری گرایش یافته و پیوند با سرمایه‌داری جهانی را تنها گزینش می‌یابند. برخی از رفقای قدیمی شما نیز همین راه‌حل را می‌پسندند. از آن‌جا که در نشریات شما (این نامه خطاب به نامه مردم، راه توده و کار نوشته شده است) گرایش تند و تیز به اعتقاد از سرمایه‌داری و محکومیت تعدیل رنج‌افزون

فوتبال و نیروهای سیاسی اپوزیسیون

ب. آزاد

این روزها با شروع مسابقات جام جهانی فوتبال و به خصوص به علت شرکت تیم ملی فوتبال ایران در این دوره از مسابقات، تب فوتبال همه جامعه ایران را فرا گرفته است. کودکان، زنان، جوانان، همه و همه از فوتبال صحبت می‌کنند.

فوتبال در ایران به یک جنبش عظیم اجتماعی تبدیل شده است و تأثیرات معینی را در جامعه ایران به جای گذاشته است. اما نیروهای سیاسی اپوزیسیون به این حرکت چگونه برخورد کردند؟

در حدود دو سال پیش، تغییرات مثبتی در فوتبال ایران صورت گرفت. علیرغم ندانم کاری مسئولین ورزشی کشور، تیم ملی فوتبال ایران به نتایج نسبتاً موفقیت آمیزی در مسابقات جام ملت‌های آسیا نائل آمد. این تیم پس از کسب چند پیروزی و از جمله با نتایج ۶ بر ۲ علیه کره جنوبی و ۳ بر صفر علیه عربستان سعودی، به مقام سوم این مسابقات دست یافت. به دنبال این پیروزی، خداداد عزیزی به عنوان بهترین فوتبالیست آسیا انتخاب شد. چند تن از فوتبالیست‌های ایرانی با باشگاه‌های آلمان، ترکیه و سنگاپور قراردادهای حرفه‌ای امضا کردند.

توجه مردم به فوتبال بیشتر و بیشتر می‌شد. فدراسیون فوتبال برای اولین بار مسابقات لیگ سراسری موسوم به آزادگان را حتی در ماه رمضان تعطیل نکرد. فیفا، فدراسیون جهانی فوتبال، در یکی از نشریات خود، راجع به علی دایی فوتبالیست ایرانی نوشت: «وی به سمبلی برای جوانان ایرانی مبدل شده است. وی که مهندس متالوژی است، با موفقیت‌های ورزشی خود به خانواده‌های ایرانی نشان داده است که می‌توان ورزش و تحصیلات عالی را با هم هماهنگ کرد».

هیچ کدام از این حوادث و اخبار در روزنامه‌های مستعلق به گروه‌های سیاسی اپوزیسیون

انعکاسی نیافت! تنها کیهان لندن و نیمریز این اخبار را در صفحات خود کم و بیش منعکس می‌کردند.

تیم ملی فوتبال در بازی‌های مقدماتی جام جهانی از سد سوریه، مالدوی و کازاخستان گذشت. برخی از ورزشکاران ایرانی مقیم خارج در مصاحبه‌هایی از جمله با رادیو پرواک در سوئد، به نقاط ضعف و قوت تیم ایران اشاره کردند. آن‌ها، از جمله صفر ایرانپاک و خسرو رضوی، با وجود پیروزی‌های پرگل تیم ایران، به ضعف خط دفاعی و ضعف مربی تیم ملی، محمد مایلی کهن، صریحاً اشاره کردند.

علی دایی از مایلی کهن انتقاد می‌کند و خواستار انتخاب مربی شایسته‌تری برای تیم ملی می‌شود. مایلی کهن که سید مایلی مذهبی و تنگ نظر است، در آستانه دور دوم مسابقات انتخاباتی جام جهانی، وی را از تیم ملی محروم می‌کند. مردم ورزش دوست خواستار بازگشت علی دایی هستند. در استادیوم‌ها شعار «دایسی، دایسی!» داده می‌شود. ایرانیان خارج از کشور در شبکه اینترنت، صفحه مخصوص علی دایی درست می‌کنند و ایرانیان با ارسال پست الکترونیکی، از علی دایی حمایت می‌کنند.

گروه‌های سیاسی هنوز در خواب به سر می‌برند و این مسایل را نمی‌بینند! تیم ایران برای انجام یک مسابقه دوستانه و بدون علی دایی به کانادا می‌رود. یک گروه سیاسی ایرانی در کانادا با صدور اعلامیه‌ای خواستار «افشای توطئه صدور تیم‌های ورزشی جمهوری اسلامی به خارج از کشور» می‌شود. ورزش دوستان خواستار برگزاری مسابقات تدارکاتی بیشتر هستند. مایلی کهن به دنبال فشار مردم مجبور می‌شود علی دایی را مجدداً به تیم دعوت کند.

مسابقات مقدماتی جام جهانی آغاز می‌شود. تیم ایران با افت و خیز پیش می‌رود. متخصصین ورزشی در خارج از کشور و در

د. آرام از کانون

سیاسی-فرهنگی سیویکا

رفیق گرامی و دوست مبارز، الف. ایلی. مقاله «تجربه گذشته، چراغ راه آینده» را خواندم. من شما را هم می‌شناسم و هم نمی‌شناسم. نمی‌شناسم به خاطر این که هویت شخصی شما را نمی‌دانم و می‌شناسم برای این که یکی از خیل دردمندان راه رهایی هستی، چرا که از نوشته‌ات تشعشعات این احساس را دریافت کردم. من هم یک فدایی قدیمی هستم، قدیمی برای این که به رهایی و عدالت و ارزش‌گذاری به انسان از طریق فدایی‌ها آشنا شدم و اگر چه هیچ زمان در ارتباط تنگاتنگ با آن‌ها نبودم، همیشه نوسانات و تحولات آن‌ها را پی‌گیری می‌کردم تا به امروز که تا زنگی به خارج از کشور آمدم و باز هم علیرغم فاصله‌ها «کار» را سرزنده و در حرکت یافته و شما را هم از طریق این مقاله شناختم، انگار که می‌شناختم. من با کانون خلق ترکمن خیلی با فاصله و بدون شناخت آشنا شدم، ولی با توماج و یارانش، فراتر از تمامی حساب‌های ریز و درشت زیست‌ام. تجربه‌ای را که شما در آن حضور داشته‌ای، من به گونه‌ای دیگر و در عرصه‌ای متفاوت از سر گذرانده‌ام. رفتار «سازمان» و

منتشر شد

کتاب پژوهش کارگری شماره اول تابستان ۹۸

بها ۸ مارک، ۳ پوند، ۵ دلار

بها ۴ هزینه پستی: ۱۰ مارک، ۴ پوند، ۷ دلار

Postlagerkarte
Nr. 093739 C - 30001 Hannover
Germany

سجش ۲ (گاهنامه نقد و تئوری ادبی و بررسی کتاب)

به سردبیری محمود فلکی، توسط انتشارات آوا منتشر شده است.

بها ۱۲ مارک (هزینه پست به عهده ناشر است)
AWA. Entenweg 5 - D - 22549 Hamburg
Tel. Fax 040 893637

مژده خدا نیست بیان آفرینش است

اثر کیخسرو کشاورز
انتشارات:
MOST - Vertrieb
Po Box 1747, 35007 Marburg / L, Germany
Tel: 0049 6421 85999

محل فروش نشریه کار در ونکوور کانادا



کتابخانه و کتابفروشی فروغ

Tel/Fax: (604) 990-4898

داخل پست: #4 - 175 East 3rd Street,
North Vancouver, B.C. V7N 1E5

کمک مالی به خانواده شهید

مانی زرگر - سوئد ۲۰۰۰ کرون

رفقای عزیز منا و سمین

درگذشت مادر گرامیتان را به شما و خانواده‌تان تسلیت می‌گویم. شورای هماهنگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سوئد

پوشیده‌اند. مشتاق که خواستار شادی و سربلندی ورزشکاران بودند، می‌دادند.

خواست‌های دموکراتیک ورزشکاران ایرانی از سایر خواست‌های دموکراتیک مردم ایران جدا نیست، یک ورزش پیشرفته و سازمان یافته در ایران، صرف‌نظر از این که در ایران چه رژیمی بر سرکار باشد، به سود مردم ایران است. تحول ورزشی در جامعه ایران را باید به فال نیک گرفت.

برای این که ایسن عمل فرقه‌گرایانه چگونه به تشویق ورزشکاران ایرانی منجر می‌شود را واگذاریم به روان‌شناسان مجاهد، اما مجاهدین باید از شانس خود کمال تشکر را داشته باشند. کافی بود در آن مسابقه تیم ایران شکست بخورد و به راحتی با چرخش قلم، علت شکست را فعالیت‌های تخریبی مجاهدین ذکر کنند. آن‌گاه مجاهدین باید توضیح قانع کننده‌ای به میلیون‌ها ایرانی

Verleger: I.G.e.v
 آدرس: I.G.e.v
 شماره حساب: I.G.e.v
 کد بانک: I.G.e.v
 نام بانک: I.G.e.v
 آدرس: Postfach 260268
 50515 Köln
 Germany
 آدرس: I.G.e.v
 شماره حساب: 22 44 20 32
 کد بانک: 37 05 01 98
 نام بانک: Stadtparkasse Köln
 Germany

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90
 شماره تلفن: 0049 - 221 - 9322136
 آدرس کار در اینترنت: http://www.geocities.com/CapitolHill/2902
 آدرس پست الکترونیکی: fadai.aksariyat@magnet.at

تک فروشی: معادل ۳ مارک آلمان
 بهای اشتراک:
 اروپا: شش ماه ۴۵ مارک؛ یک ساله ۹۰ مارک
 سایر کشورها: شش ماهه ۵۲ مارک؛ یک ساله ۱۰۴ مارک

پیرامون مسافرت پیل کلیتون

به جمهوری خلق چین



می‌گردد. اقدام بانک مرکزی آمریکا از سوی اقتصاددانان بعنوان «هدیه چند جانبه» دولت آمریکا ارزیابی گردید. جیانگ زمین و جو رونگجی نخست وزیر چین روز شنبه گذشته در پکن اطمینان دادند که چین مصمم شده است برای اجتناب از کاهش دوباره ارزش پولهای آسیا نقش خود را ایفا کند.

ارز کشورهای جنوب آسیا و بالطبع کاهش قیمت کالاها و صادراتی ساخت این کشورها توازن صادرات چین را در وضعیت نامطلوبی قرار داده است و بهای تولیدات چین در بازارهای آسیا و جهان بسیار گرانتر شده است به همین دلیل دولت چین تمایل به کاهش بهای ارز خود را نشان می‌داد که این اقدام عملاً به عنوان ضربه آخر به اقتصاد بحران زده کشورهای جنوب شرقی آسیا محسوب

عضویت چین در سازمان تجارت جهانی از دولت چین خواست که بازارهای خود را بر روی تولیدات خارجی باز کند. وی برای اولین بار روز سه شنبه گذشته با صراحت اعلام کرد چین در آینده نزدیک عضو سازمان جهانی تجارت خواهد شد. سیاست ایالات متحده آمریکا در مورد تایوان با مسافرت کلیتون به این کشور تغییر اساسی نمود. کلیتون گفت: سلاح‌های فروخته شده به تایوان

پیل کلیتون رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا هفته گذشته همراه یک هیئت ۱۲۰ نفری مسافرت نه روزهاش به چین را آغاز نمود. مراسم استقبال رسمی جیانگ زمین رئیس جمهور چین از کلیتون در میدان تیان مین در مرکز شهر پکن برگزار گردید. حضور کلیتون در این میدان با مخالفت ناراضیان چینی در آمریکا و منتقدان وی روبرو شد و این عمل را نوعی بی توجهی به نقض حقوق بشر در چین تلقی نمودند. این نخستین بار است که بعد از سرکوب جنبش دانشجویی در چین یک رئیس جمهور آمریکا به این کشور سفر می‌کند.

محورهای مذاکرات دولت چین و آمریکا حول ۴۷ موضوع مختلف انجام گرفت که مهمترین آنها، موضوع خلع سلاح هسته‌ای، همکاری برای جلوگیری از بحران مالی شرق آسیا، عضویت چین در سازمان جهانی تجارت و همچنین مسائل تبت و تایوان بود.

درست قبل از آغاز مسافرت کلیتون به چین، بهای بورس و همراه آن بهای یمن در ژاپن سقوط کرد و وحشت از بحران فزاینده اقتصادی در ژاپن همه بازارهای سهام و بورس را فرا گرفت. متعاقب آن بانک مرکزی آمریکا با خرید دو میلیارد دلار یمن ژاپن به ثبات قیمت آن کمک نمود. این اقدام بانک مرکزی آمریکا اما به گونه دیگری نیز تعبیر گردید. پائین آمدن بهای

سر بازان کوچک



ساموئل بول در سن دوازده سالگی بعنوان سرباز در جنگ داخلی لیبیا خدمت می‌کند. به اقرار خودش وی تاکنون سه نفر را در جنگ کشته است. نفر چهارم زنی بود که از دادن قطعه نان خودش به او خودداری کرده بود.

تصاویر اعزام هزاران نوجوان تحت عنوان «بسیجی» به جبهه‌های مرگ و جنگ خانمان‌سوز ایران و عراق در حافظه تاریخی ما ایرانیان ثبت گردیده و فراموش نخواهد شد. در تاریخ موارد بسیاری وجود دارد که از کودکان و نوجوانان در امور نظامی سوء استفاده گردیده است. کودکان و نوجوانان به راحتی تحت تاثیر تبلیغات قرار می‌گیرند و حاضرند خطرناک‌ترین وظایف جنگی را به عهده گیرند. در جنگ‌های

ناپلئون و لرد نلسون کودکان حمل باروت توپخانه و یا بعنوان طبلچی در جبهه حضور مستقیم داشتند، اما بعلاوه جبهه کوچکی از آنان میسر نبود. امروز اما اسلحه‌هایی مانند ام ۱۶ و کلاشینکف با وزنی برابر ۴ کیلوگرم از هر کودک و نوجوان هر قدر هم که کوچک اندام باشد سرباز قابل استفاده‌ای می‌سازد. بنا بر گزارش «UNICEF» بین ۲۵۰ تا ۳۵۰ هزار کودک و نوجوان در افغانستان،

سری لانکا، برمه، سیرالئون و سودان بعنوان سرباز خدمت می‌کنند.

روز سه‌شنبه گذشته سازمان‌های بین‌المللی Terr des hommes (تر د زوم)، عفو بین‌المللی، Human Rights Watch و سازمان سوئدی Rödda Barnen در ژنو بر علیه سوءاستفاده نظامی از کودکان و نوجوانان دست به اعتراض زدند و در کنفرانس جهانی که جهت تدوین حقوق کودکان و نوجوانان در جریان است، خواستار افزایش سن احضار به خدمت سربازی از ۱۵ به ۱۸ سال گردیدند.

جالب توجه است که مخالفت با این خواسته نه تنها از سوی کشورهای دیکتاتورزده جهان سوم، بلکه کشورهای غربی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا می‌باشد. در آمریکا، اسرائیل و انگلیس جوانان می‌توانند در سن ۱۷ سالگی به خدمت احضار شوند.

اندریاس ریستر نماینده یکی از سازمانهای حمایت از کودکان می‌گوید: سازمان ملل باید یک دادگاه بین‌المللی تشکیل بدهد که در آن هر دولت و یا سازمانی که از کودکان و نوجوانان برای نیل به مقاصد خود، سو استفاده‌های نظامی می‌کند، بعنوان جنایتکار جنگی محاکمه شوند.

روابط ایران و آمریکا: یک گام به پیش، یک گام به پس؟

یک مقام آمریکایی گفته است هدف دولت آمریکا از این چرخش، این بود که ثابت کند در تصمیم خود به بهبود روابط با ایران جدی است. به دنبال سخنان آلبرایت، شرکت نفتی موبیل آمریکا از دولت کلیتون خواستار صدور اجازه معامله با ایران شد. دولت کلیتون هنوز به این درخواست پاسخی نداده است.

نخستین واکنش یک مقام بالای جمهوری اسلامی در قبال سخنان آلبرایت، نطق جنتی در نماز جمعه دو هفته پیش تهران بود که در آن گفت «اگر آمریکا با اسلام و نظام کاری نداشته باشد» مذاکره با آمریکا بلا مانع است. جنتی در عین حال از آمریکا به خاطر باز گذاشتن دست اسرائیل در خاورمیانه و نیز تلاش برای برهم زدن معاملات نفت و گاز جمهوری اسلامی با اروپا انتقاد کرد.

علاوه بر جنتی، رفسنجانی نیز اخیراً در مورد نیات دولت آمریکا در ژست مصالحه‌جویانه اخیرش اظهار نظر کرد. وی ضمن ایران تردید در مورد حسن نیت آمریکا، گفت «دشمنان اسلام» کماکان به اعمال خصومت‌آمیز خود ادامه می‌دهند و البته بدون اشاره مستقیم به آمریکا، به عنوان نمونه از برنامه دولت اسرائیل برای گسترش منطقه تحت حاکمیت خود در بیت‌المقدس، سرکوب مسلمانان کوسوو و پخش فیلم «بدون دختر هرگز» از تلویزیون فرانسه نام برد.

به نظر می‌رسد در جمهوری اسلامی، کسی جرأت به دست گرفتن ابتکار عمل در گشودن گره روابط با آمریکا را ندارد. مقامات جمهوری اسلامی به سیاست «یک گام به پیش، یک گام به پس» ادامه می‌دهند. در عین حال، احتمال جریان داشتن دیپلماسی مخفی بین دو کشور مستفی نیست. جمهوری اسلامی در پیشبرد چنین دیپلماسی پنهانی، از زمان خمینی ید طولایی دارد. هنگامی که اطرافیان آیت‌الله منتظری ماجرای ایران‌گیت را بر ملا کردند، خمینی دستور سرکوب خشن آنان و از جمله اعدام مهدی هاشمی را به جرم «بر ملا کردن اسرار نظام» را داد، اسراری که باید آن را نه از «شیطان بزرگ»، که از مردم مخفی کرد.

ما بارها گفته‌ایم که از مذاکرات علنی و مستقیم بین ایران و آمریکا استقبال می‌کنیم و دیپلماسی مخفی را همواره به ضرر منافع ملی مردم ایران ارزیابی می‌کنیم. اکنون نیز دولت خاتمی اگر در وعده‌های خود برای گشودن گردهای کور، جدی است، راهی جز مذاکرات علنی و مستقیم با آمریکا ندارد.

تأیید کرده است. همین گزارش می‌افزاید در ماه دسامبر سال گذشته، مقامات عربستان سعودی و نیز یاسر عرفات رئیس دولت خودمختار فلسطینی پس از شرکت در اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران، به آمریکایی‌ها گزارش‌های امیدوارکننده‌ای از مواضع دولت خاتمی دادند. تصویب بیانیه‌ای در کنفرانس تهران در محکومیت تروریسم، استقبال گرم جمهوری اسلامی از مقامات عربستان و نیز به رسمیت شناختن موضع عرفات به عنوان رهبر فلسطین از سوی جمهوری اسلامی، از جمله نشانه‌های مثبت در حاشیه اجلاس تهران بود.

چند هفته پس از مصاحبه خاتمی با سی. ان. ان، مادلن آلبرایت وزیر خارجه آمریکا در یک جلسه شام با تعدادی از صاحبزنان آمریکایی، از آنها در باره عواقب احتمالی این سیاست آمریکا در قبال ایران نظر خواهی کرد. یک شرکت‌کننده در این جلسه گفته است آلبرایت به ویژه می‌خواست بدانند چکار باید کرد که خاتمی لطمه نبیند و به او کمک شود. به گزارش مقامات آمریکایی، هر چند به لحاظ رسمی در سیاست آمریکا در قبال ایران تغییری داده نشده است، اما همه مقامات دولت آمریکا متفق‌القولند که باید در سیاست واشنگتن در قبال ایران تجدید نظر کرد.

از اواخر زمستان گذشته، لحن مقامات آمریکایی در مورد ایران تغییر کرد. آنها ضمن ادامه انتقاد از تلاش‌های جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح‌های گسترده و موشک‌های حامل آن و نیز کمک‌های جمهوری اسلامی به تروریسم، شروع به ذکر نمونه‌های مثبت از سیاست‌های ایران مانند همکاری آن با آمریکا برای برقراری صلح در افغانستان کردند. همچنین تغییراتی در سیاست «مهار دوگانه» دولت کلیتون در قبال ایران و عراق وارد شد، بدین گونه که مقامات آمریکایی اینک بین عراق و ایران تفاوت قائلند و می‌گویند در حالی که در عراق از نشانه‌های مثبت خبری نیست، این نشانه‌ها در ایران دیده می‌شود. مارتین ایندیک معاون وزیر خارجه آمریکا در امور خاورمیانه در یک نشست سوال و جواب در سنای این کشور دیگر از واژه «مهار» در مورد ایران استفاده نکرد. البته وی فهرست بلندی از

انقلاب از ایران دیدار کرد. مرتضی سمردی معاون اروپا و آمریکای وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای که در روزنامه ایران چاپ تهران درج شد، گفت جمهوری اسلامی مصمم به گسترش و بهبود روابط با اعضای اتحادیه اروپاست. سمردی افزود در ماه‌های گذشته حدود ۲۰ هیئت مختلف از کشورهای اتحادیه اروپا، از جمله فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک، آلمان و اتریش با مقامات جمهوری اسلامی مذاکراتی داشته‌اند. در نیویورک اعلام شد در ماه سپتامبر خاتمی رئیس جمهوری اسلامی برای ایراد نطق در مجمع عمومی سازمان ملل متحد رهسپار نیویورک خواهد شد. قرار است در همین روز، کلیتون رئیس جمهوری آمریکا نیز در مجمع عمومی سخنرانی کند، اما به گزارش مقامات آمریکایی و منابع مستقل، دیدار بین خاتمی و کلیتون پیش‌بینی نشده است.

مقامات آمریکایی گفته‌اند که به دنبال اظهارات اخیر مادلن آلبرایت وزیر خارجه آمریکا، برداشتن گام بعدی برای بهبود مناسبات، بر عهده جمهوری اسلامی است، چرا که بدون گفتگوهای مستقیم و رو در رو، دولت آمریکا نمی‌تواند گام‌های بیشتری بردارد. گفته می‌شود سخنرانی آلبرایت در روز ۱۷ ژوئن (۲۷ خرداد)، نتیجه ماهه‌ها بحث در درون دولت آمریکا بر سر مشی آتی در قبال ایران است. به نوشته واشنگتن پست، حذف دو سیاستمدار از صحنه، زمینه را برای بهبود روابط ایران و آمریکا مساعدتر کرده است: اسحاق رابین نخست‌وزیر متقزل اسرائیل و وارن کریستوفر وزیر خارجه سابق آمریکا. هر دوی آنها در گذشته در جهت خصمانه بودن سیاست واشنگتن در قبال ایران تأکید می‌گذاشتند. یکی مقام آمریکایی گفته است رابین از هر فرصتی استفاده می‌کرد تا به دولت آمریکا بقبولاند جمهوری اسلامی تهدیدی برای اسرائیل است. همین مقام آمریکایی افزوده است بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر فعلی اسرائیل گرچه نگران تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های گسترده است، اما نشانه‌هایی از تغییرات استراتژیک در ایران را نیز می‌بیند. به گزارش واشنگتن پست، یک دیپلمات اسرائیلی این ارزیابی از موضع نتانیاهو را